نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست ویکم- شماره ۸۸۰ یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۷ - ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



استاندار بوشهر:

اجازه برگشت اعتبارات استان را نمی‌دهیم

سفر رئیس جمهور به بوشهر

صفحه ۲



خداحافظی سفره مردم جنوب با ماهی

صفحه ۸

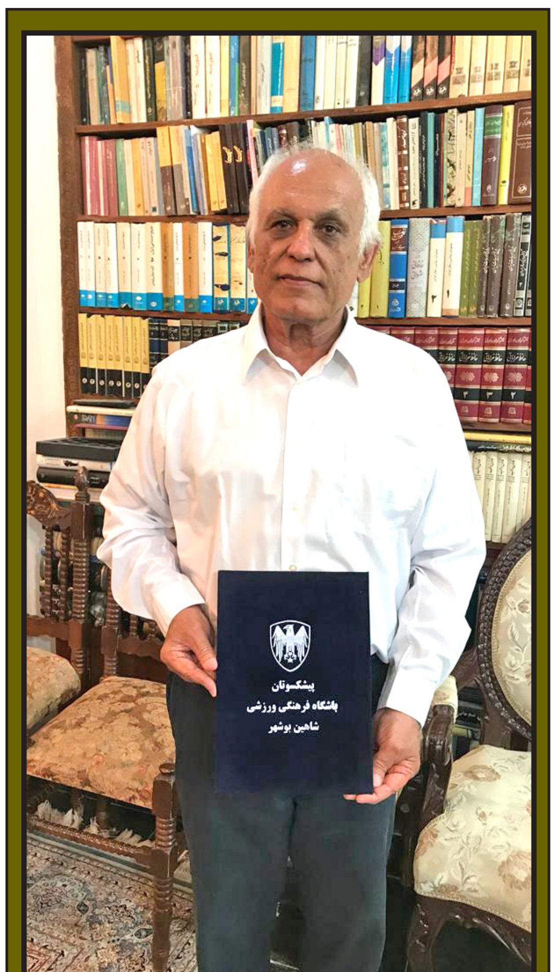
سخنرانی حافظ موسوی شاعر و نویسنده در مراسم سیزدهمین یادمان منوچهر آتشی:

منوچهر آتشی، شاعر میهن و نماد بوشهر

صفحه۴



عکس از آریو انصاری



دیدار با آقا معلم فوتبال بوشهر

صفحه۷

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۸۸۰ یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

معاون استاندار بوشهر:

همه دستگاه‌ها در اجرای پروژه شهر هوشمند بوشهر همکاری کنند



معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری بوشهر گفت: همه دستگاه‌ها در اجرای پروژه شهر هوشمند بوشهر همکاری کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، سعید زرین‌فر در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان بوشهر اظهار داشت: اجرای طرح هوشمند بوشهر از طرح‌های مهمی است که انتظار می‌رود همه دستگاه‌ها همکاری لازم را در اجرای آن داشته باشند.

وی خاطرنشان کرد: بیش از یک سال از اجرای پروژه شهر هوشمند بوشهر می‌گذرد و بوشهر به عنوان پایلوت کشور است. برای اجرای این پروژه چیزی به دنبال هستیم که از یک شرکت مشاور بین‌المللی استفاده کنیم.

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری بوشهر افزود: شورای راهبری شهر هوشمند بوشهر ایجاد شده است که بنا است که همه مواردی که با شهر هوشمند بوشهر به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم مرتبط است همکاری و تعامل انجام شود. وی بیان کرد: برخی از دستگاه‌ها در پی جذب اعتباراتی در زمینه هوشمندسازی هستتند و انتظار داریم که برای هم‌افزایی و همکاری لازم، مسائل در شورای راهبری شهر هوشمند بوشهر مطرح شود.

جذب اعتبارات دستگاه‌ها

علی درویشی معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر نیز در این نشست اظهار داشت: ۵۶ جلسه با دستگاه‌های مختلف در سطح استان داشتیم و وضعیت جذب اعتبارات را در سطح استان مرور کردیم و تا جایی که امکان داشت جابجایی اعتبارات بین دستگاه‌ها انجام شد و با دیگر دستگاه‌ها نیز جلسات را برگزار خواهیم کرد.

شاپور رجایی مدیرعامل آب منطقه‌ای استان بوشهر نیز بیان کرد: غالب طرح‌های بزرگ ما طرح‌هایی است که فاینانس داخلی و خارجی استفاده می‌شود که از این بند برای جذب اعتبارات نمی‌توانند استفاده کنند.

ارسال اسناد به خزانه

فرزاد رستمی مدیرکل راه و شهرسازی استان بوشهر نیز با اشاره به اسنادی که برای جذب اعتبارات به خزانه ارسال شده است، اظهار داشت: بیش از ۳۹ میلیارد تومان اسناد را به خزانه تحویل داده‌ایم که ۲۰ میلیارد تومان تصویب شده است و ۱۹ میلیارد تومان هم در خزانه در دست بررسی است.

وی خاطرنشان کرد: ۱۰ مصوبه کارگروه داشتیم که ۹ مورد موافقت قرار گرفت.

حجت‌الاسلام عبدالرضا سروستانی مدیرکل تبلیغات اسلامی استان بوشهر نیز در این نشست اظهار داشت: برخی از پروژه‌ها به صورت امانی هستند و در قالب اسناد قابل جذب نیستند.

مدیرعامل آب منطقه‌ای بوشهر:

کمبود ۱۱۰ میلیون مترمکعب آب برای آبیاری نخیلات در استان بوشهر

مدیرعامل آب منطقه‌ای استان بوشهر میزان قابل برداشت آب سد رئیسعلی دلواری را ۸۷ میلیون مترمکعب عنوان کرد و گفت: با کمبود ۱۱۰ میلیون مترمکعب آب برای آبیاری نخیلات روبرو هستیم.

به گزارش خبرنگار مهر، شاپور رجایی در نشست کارگروه آب کشاورزی استان بوشهر اظهار داشت: در راستای تامین آب نخیلات نیاز داریم که سالانه ۱۴۳ میلیون مترمکعب از آب سد رئیسعلی دلواری برای نخیلات تامین شود.

وی با اشاره به اینکه تنها ۳۰ میلیون مترمکعب آب برای آبیاری نخیلات در دست داریم، افزود: به همین دلیل در تابستان آینده با کمبود ۱۱۰ میلیون مترمکعب آب برای آبیاری نخیلات در استان بوشهر روبرو هستیم.

مدیرعامل آب منطقه‌ای استان بوشهر اضافه کرد: تا پایان تابستان امسال میزان ذخیره سد رئیسعلی دلواری به ۶۸ میلیون مترمکعب رسیده بود که با بارش‌های پائیزی ۹۲ میلیون مترمکعب آبگیری انجام شده است. وی میزان ذخیره سد رئیسعلی دلواری را در دحال حاضر ۱۵۸ میلیون مترمکعب عنوان کرد و ادامه داد: ۷۱ میلیون مترمکعب از این میزان حجم تعادلی سد است که مجوز برداشت آن در اختیار وزیر نیرو است.

رجایی با بیان اینکه تنها برای ۸۷ میلیون مترمکعب آب پشت سد رئیسعلی می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم، خاطرنشان کرد: در بخش‌های مختلف شرب، بهداشت، محیط زیست و ... در کل استان به ۲۲۱ میلیون مترمکعب نیاز داریم.

استاندار بوشهر:

اجازه برگشت اعتبارات استان را نمی‌دهیم

سفر رئیس جمهور به بوشهر

استاندار بوشهر با تاکید بر اینکه همه دستگاه‌ها باید در راستای جذب اعتبارات تلاش ویژه داشته باشند، گفت: اجازه برگشت اعتبارات استان بوشهر به خزانه را نمی‌دهیم.

به گزارش خبرنگار مهر، عبدالکریم گراوند در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان بوشهر اظهار داشت: با هر دستگاهی که اعتبارات را جذب نکند برخورد می‌کنیم و اجازه نمی‌دهیم که اعتبارات استان برگردد.

وی بیان کرد: در صورتی که کار انجام نشود و اعتبارات مربوطه جذب نشود، اعتبارات را جابجا می‌کنیم. دستگاه‌های استان بوشهر در زمینه تخصیص اعتبارات دسته‌بندی می‌شوند که چه دستگاهی کار می‌کند و کدام دستگاه کار نمی‌کند.

استاندار بوشهر خاطرنشان کرد: در صورتی که دستگاه‌ها نسبت به تخصیص و جذب اعتبارات اقدام نکردند، نسبت به جذب اعتبارات و جابجایی اعتبارات در کمیته تخصیص بودجه اقدام شود.

وی با اشاره به اینکه دستگاه‌هایی که قادر به جذب اعتبار نیستند هیچ تخصیصی به آنها نخواهیم داد، افزود: سازمان برنامه و بودجه لیست دستگاه‌هایی که توان جذب اعتبارات را نداشته‌اند به ما اعلام کنند.

گراوند با بیان اینکه شهردارانی که اعتبارات را جذب نکرده‌اند برای دریافت بودجه به ما مراجعه نکنند، ادامه داد: هر شهرداری در جذب اعتبارات ناتوان بود اعتبارات آنها را جابجا می‌کنیم.



وی در مورد تهاتر طلب پیمانکاران و دستگاه‌ها با همکاری بانک‌ها نیز خاطرنشان کرد: باید از ظرفیت تهاتر برای تسویه بدهی‌های دستگاه‌های اجرایی و پیمانکاران و بخش خصوصی استفاده شود.

استاندار بوشهر تاکید کرد: دستگاه‌های اجرایی گزارش کاملی از وضعیت مطالبات پیمانکاران ارائه کنند تا در سریع‌ترین زمان نسبت به این موارد اقدامات انجام شود.

وی با اشاره به نزدیک شدن به دهه مبارک فجر، بیان کرد: قول و قرارهایی در مورد دهه مبارک فجر داشته‌ایم و انتظار می‌رود که برای تکمیل پروژه‌ها اقدامات لازم انجام شود.

گراوند افزود: اعتبارات ملی که سهم استان بوشهر است به صورت جدی پیگیری شود تا تخصیص انجام شود و اعتبارات تبدیل به کار و پروژه در استان بوشهر شود.

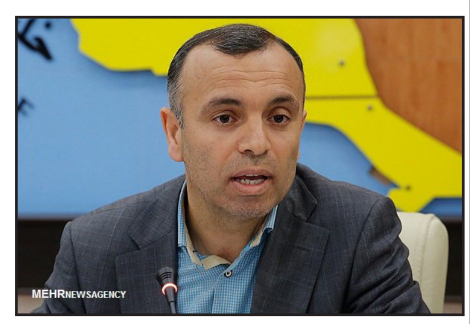
وی تاکید کرد: فرمانداران هم در زمینه تحصیل افراد بازمانده از تحصیل بایستی اقدامات لازم انجام شود و فرمانداران و مدیریت آموزش و پرورش تلاش جدی را داشته باشند.

استاندار بوشهر از احتمال سفر رئیس جمهور به استان بوشهر خبر داد و خاطرنشان کرد: دستگاه‌ها مواردی که نیاز است در سفر رئیس جمهور به استان بوشهر مطرح شود را اعلام کنند و تا پایان هفته جاری همه طرح‌های مدنظر اعلام شود.

وی افزود: موضوعاتی که خواسته مردم است بررسی شود و توسط مدیران دستگاه‌ها و فرمانداران اعلام شود تا در صورت نیاز مطرح و تصویب شود.

رئیس مدیریت و برنامه‌ریزی بوشهر:

دستگاه‌های اجرایی استان بوشهر برای جذب اعتبارات ملی اقدام کنند



رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر گفت: دستگاه‌های اجرایی استان بوشهر برای جذب اعتبارات ملی اقدام جدی کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، رضا عوض‌پور در نشست شورای مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر اظهار داشت: بر اساس اقتضائات موجود و بر اساس اولویت پروژه‌ها، تخصیص در پروژه‌های مختلف انجام شد تا فرایند توزیع تخصیص انجام شود.

وی اضافه کرد: گزارش خزانه رضایت‌بخش نیست و در برخی موارد جای نگرانی وجود دارد. برای ما بسیار مهم است که اعتبارات تخصیص یافته به دستگاه‌های اجرایی سر جای خودش هزینه شود چراکه ما به مردم قول داده‌ایم.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر خاطرنشان کرد: به دستگاه‌ها فرصت دادیم که تا بیستم آذرماه اعتبارات را جذب کنند و در صورتی که اعتبارات جذب نشود، نسبت به جابجایی اعتبارات اقدام خواهد شد.

وی تصریح کرد: تحت فشار هستیم و این اسناد باید تا ۲۷ دی‌ماه جذب شود و دستگاه‌ها باید نسبت به صدور اسناد برای جذب اعتبارات اقدامات لازم را انجام دهند.

عوض‌پور ادامه داد: در شهرستان‌ها قول‌هایی به مردم می‌دهیم که پروژه‌هایی کار شود و اعتبارات تخصیص یابد ولی عدم اقدام دستگاه‌ها باعث می‌شود تا این اعتبارات تخصیص نیابد.

وی با تاکید بر لزوم استفاده از روش تهاتر بین دستگاه‌های اجرایی استان بوشهر، افزود: دستگاه‌ها باید جدیت لازم را برای تامین اعتبارات پای کار باشند و در صدور اسناد و دریافت نقدینگی تلاش بیشتری صورت گیرد.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر با بیان اینکه برای تقویت بودجه استان بوشهر از همه ظرفیت‌ها استفاده می‌کنیم، اضافه کرد: مجموع درآمدهای استان بوشهر در سال جاری افزایش یافته است.

وی خواستار استفاده از منابع ملی شد و بیان کرد: برای فعالیت‌های استانی باید بتوانیم اعتبارات ملی را جذب کنیم و در جایی که برای جذب اعتبار ملی برای پروژه استانی نیاز است از اعتبارات استانی هم مقداری استفاده شود.

معاون سوادآموزی استان بوشهر:

یادواره شهدای سوادآموزی استان بوشهر برگزار می‌شود



معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: یادواره شهدای سوادآموزی استان بوشهر اواخر بهمن ماه برگزار می شود.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا دانش فر در جمع خبرنگاران با اشاره به اهمیت برگزاری یادواره شهدا اظهار داشت: برگزاری یادواره شهدا وظیفه حداقلی است که باید به نحوی احسن به آن عمل شود.

وی اضافه کرد: با همکاری و همراهی دیگر دستگاه‌ها تا پایان بهمن ماه سال جاری یادواره ۱۷۷ شهید سوادآموزی کشور و چهار شهید سوادآموزی استان بوشهر (شهیدان کرم مغدانی، حیدر تباشیر، محمدجواد فخری و شبر فرهانی) با حضور معاون وزیر و رئیس سازمان سوادآموزی کشور برگزار می شود.

معاون سوادآموزی استان بوشهر با تاکید بر همکاری و همراهی سایر دستگاه‌ها در برگزاری این یادواره افزود: همه دستگاه‌ها از جمله شهرداری بندر بوشهر، استانداری، فرمانداری‌ها و صداوسیما می توانند نقش مؤثری در برگزاری یادواره شهدای والامقام سوادآموزی داشته باشند.

وی با تقدیر از رسانه‌ها در انعکاس فعالیت های حوزه سوادآموزی استان، به نقش رسانه ها در برگزاری هر چه باشکوه‌تر این چنین یادواره‌هایی اشاره کرد و بیان داشت: همواره رسانه‌ها در مبارزه با پدیده شوم بی‌سوادی در کنار حوزه سوادآموزی بوده اند و انتظار می رود در این رویداد ماندگار نیز بخوبی نقش خود را ایفا کنند.

دانش‌فر با توصیه به نسل جوان برای پژوهش و مطالعه در مورد ایثارگری شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی هشت ساله اضافه کرد: در دو قرن اخیر، جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، تنها جنگی بوده که با رشادت شهدا، آزادگان و دیگر ایثارگران حتی یک وجب از سرزمین مان توسط دشمن از کشور ایران جدا نشده است.

وی با تاکید بر اینکه تجلیل از خانواده شهدا باید عملیاتی شود و تجلیل از این بزرگواران فقط به چنین یادواره هایی محدود نشود، گفت: تجلیل واقعی آن است که با رصد مسائل و مشکلات این قشر در حل گرفتاری ها از جمله اشتغال فرزندان این شهدای عزیز کوشا باشیم.

مدیرعامل پسماند شهرداری بوشهر:

کمپ ویژه نگهداری سگ‌های بدون صاحب در بوشهر راه‌اندازی شد

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری بندر بوشهر گفت: در راستای نگهداری سگ‌های بدون صاحب، کمپی با امکانات مناسب و ویژه در محیط خارجی شهر بوشهر راه اندازی شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، حسن شجاعی پور در نشست با خبرنگاران اظهار داشت: براساس قانون، ساماندهی و جمع آوری سگ‌های بدون صاحب بر عهده شهرداری‌ها قرار گرفته است و برای ساماندهی آنها برنامه خوبی توسط مدیریت سازمان پسماند شهرداری بندر بوشهر انجام شده است.

وی افزود: از آنجا که سگ‌های بدون صاحب سبب ترس کودکان، نوجوانان و بانوان در کنار امکان انتقال بیماری هاری بر اثر گزش شده و به چهره شهری نیز سیمای ناخوشایندی می دهند کار



جمع‌آوری آنها از سطح محلات شهری در دستور کار قرار گرفت.

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری بندر بوشهر تصریح کرد: این سازمان در راستای نگهداری از سگ‌های بدون صاحب، زمینی به متراژ سه هزار متر مربع را در خارج از فضای شهری آماده و اقدام به فنس کشی کرده است.

شجاعی‌پور یادآور شد: واکسیناسیون سگ‌های جدیدالورود، سم‌پاشی و گندزدایی مداوم کمپ، کنه‌زدایی بدن سگ‌ها با استفاده از سموم سایپرمترین و فلومترین، ساخت سلول با سقف ایرانیتی جدید به تفکیک سگ های نر و ماده، ساخت سلول جدید جهت سگ های جدیدالورود و مریض و نهال کاری در فضای این کمپ انجام شده است.

وی عنوان کرد: پس از جمع آوری این حیوانات و انتقال به مکانی که از سوی سازمان در نظر گرفته شده، سگ ها در یک شرایط بهداشتی قرار می گیرند و واکسیناسیون نیز انجام می شود.

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری بندر بوشهر ادامه داد: برای نگهداری سگ های بدون صاحب و تامین تغذیه، درمان، دارو، واکسن، دستمزد کارگران و دامپزشک نیازمند بودجه و اعتبار بالایی هستیم که برای ارتقاء خدمات و پذیرش تعداد بیشتری از سگ های بدون صاحب، همکاری مسئولان دستگاه های مختلف و عموم مردم می تواند کارگشا باشد.

تفاهم نامه بین سازمان فناوری اطلاعات شهرداری بوشهر و سازمان فاوای شهرداری شیراز

امضای تفاهم نامه انتقال تجربیات و همکاری مشترک در حوزه ی فناوری های نوین در عرصه مدیریت شهری فی مابین سازمان فناوری اطلاعات شهرداری بندر بوشهر و سازمان فاوای شهرداری شیراز

بنا به گزارش روابط عمومی سازمان فاوا شهرداری بندر بوشهر، سازمان فاوای شهرداری بندر بوشهر میزبان مدیر عامل و مدیران سازمان فاوای شهرداری شیراز بودند. در همین راستا در نشستی که با حضور شهردار بندر بوشهر و مدیرعاملان سازمان فاوا شهرداری بندر بوشهر و شیراز به اتفاق همکاران برگزار گردید، نسبت به امضای تفاهم نامه همکاری دوجانبه اقدام شد.

این نشست که به منظور اشتراک گذاشتن تجربیات موفق بین هر دو شهرداری در زمینه فناوری اطلاعات و زیرساخت های لازم با هدف خدمت رسانی هر چه بیشتر به شهروندان دو شهر برگزار گردید، در ابتدای آن چارکی سرپرست سازمان فاوای شهرداری بندر بوشهر به معرفی پیشینه ی تاریخی و ظرفیت های شهر بوشهر و ضرورت های پرداختن به فناوری های نوین در مدیریت شهری پرداختند.

در ادامه گزارشی از چشم انداز گذشته و فعالیت های بروز سازمان فاوای شهرداری بندر بوشهر توسط مهندس زربان از مدیران سازمان فاوا ارائه گردید.

در این نشست حیدری مدیرعامل سازمان فاوا شهرداری شیراز با استقبال از انعقاد این تفاهم نامه و ظرفیت های همکاری متقابل به ارایه گزارشی از برنامه ها و طرح های اجرا شده در حوزه فناوری در مدیریت هر چه مطلوب تر شهر شیراز پرداختند.

در پایان امیری شهردار بندر بوشهر با اشاره به اقدامات ارزنده ای که در راستای مدیریت هوشمند شهر بوشهر در دست اقدام و طراحی می باشد، بر لزوم استفاده از فناوری های نوین در مدیریت و کنترل مشکلات شهری از جمله ترافیک شهری تاکید نمودند. ایشان با اشاره به تجربیات موفق شهر شیراز در ایجاد کارت پارک ها، انعقاد این تفاهم نامه را حرکتی ارزشمند در استفاده از تجربیات موفق دیگر شهرها و تبادل اطلاعات دانستند و ابراز امیدواری نمودند با پیگیری این تفاهم نامه گام های مطلوبی در جهت بکارگیری از توان و تجربیات فی مابین در جهت مکانیزه نمودن سیستم مدیریت شهر برداشته شود و به رشد و تعالی سرمایه های انسانی و اجتماعی هر دو شهر منجر گردد.

معاون عمرانی استاندار بوشهر:

تکمیل پروژه‌های ویژه دهه فجر استان بوشهر تسریع شود



معاون امور عمرانی استاندار بوشهر گفت: تکمیل پروژه‌های ویژه دهه فجر استان بوشهر تسریع شود.

به گزارش خبرنگار مهر، مهرداد ستوده در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان بوشهر اظهار داشت: با تدبیر استاندار و با تجربه هفته دولت، تخصیص‌ها را به سمتی پیش بردیم که پروژه‌ها در دهه فجر به بهره‌برداری برسد.

وی ادامه داد: برخی از دستگاه‌ها به تعهدات خود در تفاهم‌نامه‌ها پایبند نیستند و کار را به خوبی پیش نمی‌برند و باید تلاش شود که وعده‌ها و تعهدات عملی شود.

معاون امور عمرانی استاندار بوشهر اضافه کرد: برخی از بانک‌ها به خوبی با دستگاه‌ها همکاری نمی‌کنند و خود را تابع سیستم نمی‌دانند و قانون‌های جدیدی می‌تراشند.

وی تصریح کرد: برخی از پروژه‌ها مربوط به دهه فجر است که همه دستگاه‌های اجرایی باید تلاش کنیم تا این پروژه‌ها در زمان مقرر تکمیل شده و در دهه مبارک فجر مراسم افتتاح را داشته باشیم.

ستوده تصریح کرد: تکمیل پروژه‌های نیمه تمام یکی از اولویت‌های استان بوشهر است که باید با بهره‌برداری از طرح‌ها و پروژه‌ها زمینه استفاده و بهره‌مندی مردم از این پروژه‌ها را فراهم سازیم.

مدیرعامل آب و فاضلاب روستایی بوشهر:

۱۵ هزار متر مکعب آب‌شیرین‌کن در استان بوشهر راه‌اندازی می‌شود

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان بوشهر از آغاز عملیات اجرایی ۱۵ هزار متر مکعب آب شیرین کن در استان بوشهر خبر داد.

روح‌الله طاهریان‌پور در حاشیه دهمین جشنواره سراسری نخستین واژه «آب» در پارک ساحلی روستای اُلی شمالی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، گفت: جلوگیری از هدر رفت آب در سامانه های آبرسانی استان بوشهر یکی از اولویت های کاری ما در کنار تأمین منابع آب و فرهنگ سازی مصرف بهینه است.

طاهریان پور از آغاز عملیات اجرایی ۱۵ هزار متر مکعب آب شیرین در استان بوشهر خبر داد و اظهار داشت: آب شیرین کن ۲۸ هزار متر مکعبی یکی دیگر از پروژه هایی است که در بخش روستایی استان در دست احداث است.

وی خاطرنشان کرد: با افتتاح فاز اول عملیات آبرسانی مجتمع دمیگز، ۱۲ روستای فاقد آب حد فاصل روستاهای جبرانی تا دمیگز در شهرستان دیر را به شبکه آب رسانی متصل و از خدمات آن نیز بهره‌مند خواهند شد.

طاهریان‌پور با بیان اینکه در صورت تزریق اعتبارات بیشتر به پروژه آبرسانی مجتمع دمیگز و ادامه فازهای بعدی، این پروژه در سال ۹۸ به بهره‌برداری خواهد رسید افزود: نوسازی کامل شبکه آبرسانی بردخون کهنه در حال حاضر در دست اجرا است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان بوشهر با تاکید بر لزوم استفاده از ظرفیت دریا برای حل مشکلات کم آبی گفت: شیرین‌سازی آب دریا یکی از موضوعات مهمی که می‌تواند مشکلات آبی استان بوشهر را برطرف کند.

مدیرکل راه و شهرسازی بوشهر:

۱۳ محله بافت ناکارآمد استان بوشهر بازآفرینی می‌شود

مدیرکل راه و شهرسازی استان بوشهر گفت: ۱۳ محله بافت ناکارآمد استان بوشهر بازآفرینی می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، فرزاد رستمی در نشست ستاد بازآفرینی محلات هدف استان بوشهر اظهار داشت: در سطح کشور دو هزار و ۷۰۰ محله بافت ناکارآمد شناسایی شده است که بایستی هر سال ۲۷۰ محله بازآفرینی شود.

وی با اشاره به اینکه در استان بوشهر ۱۳ محله ناکارآمد برای بازآفرینی مصوب شده است، خاطرنشان کرد: با اجرای این طرح‌ها و بازآفرینی محلات، هزار و ۹۸۱ فرصت شغلی مستقیم ایجاد خواهد شد.

مدیرکل راه و شهرسازی استان بوشهر بیان کرد: اخیرا تفاهم‌نامه‌ای بین راه و شهرسازی و دستگاه‌های ذیربط در راستای بازآفرینی محلات هدف اتخاذ شده است که سهمیه استان بوشهر هزار و ۳۴۵ واحد مسکونی است و به ازای هر واحد ۴۰ میلیون تومان تسهیلات با سود ۹ درصد ارائه می‌شود.

وی از ساخت فرهنگ‌سرا، مدرسه، دیوار حفاظتی، خانه محله، چمن مصنوعی و فضاهای ورزشی خبر داد و بیان کرد: ۲۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون نیز برای بخش‌های روبنایی و زیرسازی و توانمندسازی سهم استان است.

رستمی بیان کرد: بوشهر و برازجان بیشترین مساحت بافت ناکارآمد شهری را در سطح استان دارند و خورموج و اهرم هم از دیگر شهرها هستند. اولویت با شهرهای بالای ۵۰ هزار نفر است ولی در استان از ردیف‌های دیگر برای بازآفرینی در شهرهای خورموج و اهرم نیز در صورت تصویب هزینه خواهد شد.

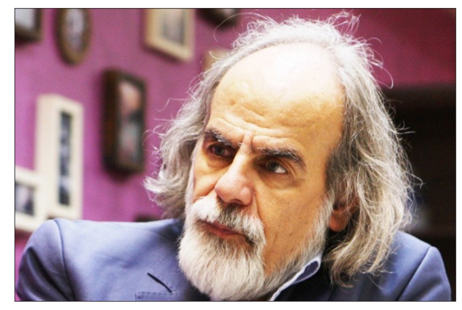
میراث ما برای کودکان و حقوق اجتماعی- انسانی آنها

نسرین محمد باقری

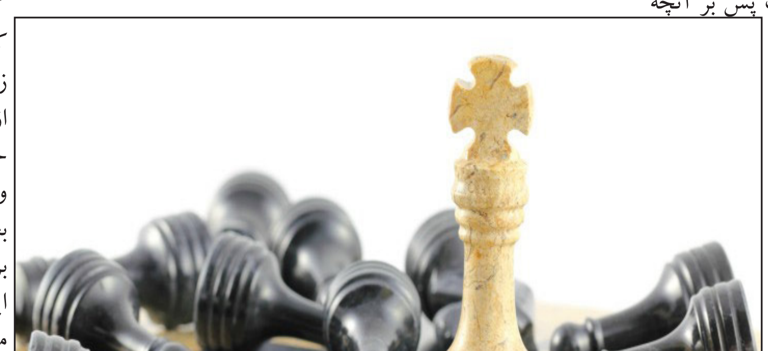
«کودک باید در فضایی سرشار از خوشبختی و محبت و تفاهم بزرگ شود.» این جمله در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک بیان شده است. این پیمان‌نامه بر اصول پایه‌ی زیر استوار است:
حق حیات و رشد همه کودکان، رنج نبردن هیچ کودکی از تبعیض، توجه به منافع کودکان و آزادی بیان آنها در امور مربوط به خودشان.
جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این پیمان‌نامه پیوست، البته با این شرط که هر گاه مفاد پیمان‌نامه در هر مورد و در هر زمان با قوانین داخلی ایران و موازین اسلامی تعارض پیدا کند، دولت ایران ملزم به رعایت آن نباشد.
با توجه به امضای این سند از سوی ۱۹۳کشور و اجرای آن در ۱۴۰کشور، می‌توان آن را مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ دانست. با این وجود هنوز کودکان مظلوم‌ترین و بی‌پناه‌ترین قربانیان فقر، گرسنگی و جنگ در جهان هستند.
فقر تغذیه‌ای سالانه جان بیش از ۶ میلیون کودک زیر ۵ سال را می‌گیرد. میلیون‌ها کودک ابتدایی در جهان گرسنه به مدرسه می‌روند. بر اساس آمار تایید شده، ۲۰هزار کودک سوری و ۵هزار کودک یمنی در جنگ و درگیری جان باخته‌اند. ده‌ها هزار کودک دچار نقص عضو یا معلولیت‌های حرکتی شده‌اند. میلیون‌ها کودک از تحصیل بازماندند.
کودکان در اقصی نقاط جهان مورد سوءاستفاده، استثمار، قاچاق و انواع خشونت و شکنجه‌های جسمی و روانی قرار می‌گیرند. در کشورهای مختلف، پدیده کودک‌آزاری و خشونت‌های خانگی شامل آزارهای جسمی و جنسی، غفلت و آزارهای عاطفی و روانی مشاهده می‌شود. آمار مرگ‌ومیر کودکان و آسیب‌های مختلف و رنج‌هایی که کودکان در سراسر کره زمین می‌برند، دل انسان را به درد می‌آورد.
و اما در ایران؛ متاسفانه هنوز ازدواج کودکان (زیر ۱۸سال) وجود دارد. اگرچه بعضی قوانین مانع از انجام ازدواج در سن پایین می‌شوند اما هنوز دخترانی هستند که زیر ۱۵ سال به خانه بخت فرستاده می‌شوند.
با توجه به بحث قیم بودن پدر یا جدپدری، قوانین خشونت علیه کودکان مشکلاتی دارد. کودک‌آزاری از مصادیق جرایم عمومی است و اعلام جرم علیه مرتکبان کودک‌آزاری وجود دارد اما پدر از قانون مستثنی است و در صورت آزار کودک از سوی پدر نمی‌توان علیه او شکایت کرد، اگر پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود.
بر اساس قانون اساسی، دولت وظیفه دارد از طریق آموزش و پرورش امکان تحصیل رایگان را تا پایان دوره متوسطه برای همه کودکان و نوجوانان ایرانی فراهم کند. اما کودکانی هستند که به سبب فقر مجبور به ترک تحصیل می‌شوند یا در کنار تحصیل به کار هم اشتغال دارند. با توجه به اینکه تعداد زیادی از کودکان کار هر روز در خیابان‌ها در معرض دید عموم و مسوولان هستند اما فکری به حال این کودکان مظلوم نمی‌شود.
مدارس ما برای کودکان جذابیت کافی ندارند. دوران تحصیل با رقابت و استرس امتحان، بدون شادی و تفریح سپری می‌شود و خبری از فراگیری مهارت‌های ضروری زندگی نیست. از سوی دیگر عدالت آموزشی هر روز کمرنگ‌تر می‌شود. هنوز مدارس بدون میز و نیمکت وجود دارد. هنوز دانش‌آموزانی هستند که برای تحصیل باید مسافت و راه سخت و صعب طی کنند. توزیع نابرابر امکانات آموزشی و فرصت یادگیری علاوه بر تجهیزات آموزشی در توزیع نیروی انسانی هم دیده می‌شود. در شهرهای مرزی و دورافتاده حضور معلمان مجرب و توانمند کم است، گاه سرباز معلم سرکلاس می‌رود. برای قبولی در کنکور و ورود به دانشگاه، رقابت بین دانش‌آموزان مدارس عادی با دانش‌آموزانی که در مدارس لاکچری تحصیل می‌کنند، رقابتی نابرابر و ناعادلانه است.
حذف مشق شب مخصوص کلاس‌های با تراکم پایین است. یادگیری در کلاس ۱۵ نفره با کلاس ۴۰ نفره بسیار تفاوت دارد. در کنار همه مشکلات ریز و درشتی که انسان‌های بزرگ برای کودکان ایجاد کرده‌اند، سهم انسان‌ها در آلودگی هوا، گرم شدن زمین، خشکسالی و کم‌آبی و... را هم نباید نادیده گرفت. هر وقت به آینده مبهم فرزندانم فکر می‌کنم، دلم به درد می‌آید و حس می‌کنم ما نیاکان خوبی برای نسل بعد از خود نبودیم کاش هر یک از ما گامی کوچک در جهت ساختن دنیایی بهتر برای کودکان برداریم.

قدرت گرایی در اخلاق

مصطفی ملکیان



– اصل این نظریه باز می‌گردد به دفتر اول جمهوری افلاطون، ولی به دست نیچه مطرح شد (طبق یک تفسیر از آرای او) و سپس به دست میشل فوکو بسط بیشتری پیدا کرد و الان هم کم‌طرفدار نیست. لب سخن این نظریه این است که نهاد اخلاق ایجاد شد برای اینکه به کمک آن قدرتمندان قدرت خود را حفظ کنند و از دستبرد ضعفا نگه دارند. تراسیماخوس در دفتر اول جمهوری با سقراط وارد بحث می‌شود و از این نظر دفاع می‌کند و سقراط هم در آن مناقشه می‌کند. به نظر تراسیماخوس در هر قاعده اخلاقی چیزی را می‌توان دید که به سود اقویا و به زیان ضعفا است، مثلاً می‌گویند صبر خوب است پس بر آنچه به سرت می‌آید صبر کن، یا غیبت بد است پس پشت من بدگویی نکن، یا قناعت خوب است پس به نداشته‌ها نگران نباش و...
این استدلال چند پیش‌فرض دارد:
الف) از این استدلال بر می‌آید که گویی بزرگ‌ترین سائق ما در زندگی قدرت است (این رأی را بعدها آدلر شاگر فروید مطرح کرد)؛
ب) گویی اقویا در این بازی اخلاق‌ورزی فعال بوده‌اند و ضعفا منفعل، یعنی اقویا اخلاق را پدید آوردند و ضعفا هم پذیرفتند و وارد بازی شدند؛
ج) گویی نظامهای اخلاقی در عین تفاوتهای فراوانی که با هم دارند، یک هسته مشترکی هم دارند و آن این است که قدرت اقویا حفظ شود و دست ضعفا نیفتد، که البته اثبات آن دشوار است.
– در مورد نیچه شکی نیست که به نظر او یگانه سائق در آدمیان قدرت است، ولی سخنان او چنان است که گویا می‌گوید هر نظام اخلاقی‌ای چنین است و در عین حال از برخی سخنانش برمی‌آید که اخلاق مسیحی چنین است. فوکو سخن نیچه را تعمیم می‌دهد و به صراحت قدرت را یگانه سائق می‌داند و حتی معرفت را در خدمت قدرت می‌داند و بالاتر از آن معرفت را ساخته قدرت می‌داند. به تعبیر دیگر قدرت است که حقیقت را حقیقت جلوه می‌دهد و بعد حقیقت‌جویی را چیز خوبی معرفی می‌کند. برتراند راسل در کتاب معروف خودش به نام قدرت (که به فارسی هم ترجمه شده) بدون اینکه از نظر نیچه دفاع کند، به نظر من رأی او را به خوبی ایضاح مفهومی می‌کند (کاری که تراسیماخوس و نیچه و فوکو نکرده‌اند).
–اما قدرت یعنی چه؟ ما یکسری مطلوبهای اجتماعی فردی داریم، یعنی مطلوبهایی که در اجتماع حاصل می‌شوند اما در ظرف اجتماع تنها برای فرد پیش می‌آیند، که عبارتند از: قدرت، ثروت، جاه و مقام، حیثیت اجتماعی، شهرت، محبوبیت و علم؛ در اینجا قدرت معنادار است و منظور از آن قدرت سیاسی است و معنایش روشن است. اما اگر کسی گفت ما در زندگی همه چیز را برای قدرت می‌خواهیم، از او می‌پرسیم که کسی که تمام عمر دنبال علم یا ثروت بوده چطور؟ می‌گوید او دنبال قدرت مالی و قدرت علمی بوده است و بنابراین تمام مطلوبهای اجتماعی، و از جمله خود قدرت، را به قدرت تبدیل می‌کند، که این کار دو عیب دارد: یکی اینکه حرف جدیدی نزده است، چون ما می‌دانستیم که انسان دنبال هفت مطلوب اجتماعی فردی است، حالا اسم همه اینها را قدرت گذاشته است و اسم جدید برای n واقعیت کشف واقعیت جدید نیست (همان چیزی که دستاویز مولیر در نمایشنامه معروفش برای تمسخر فیلسوفان اسکولاستیک شده است) و این کار خیلی شایع است که یک واقعیت زبانی را در قالب یک واقعیت غیرزبانی به عنوان مطلبی جدید ارائه می‌کنند. عیب دوم این است که این سخن ابطال‌ناپذیر است، یعنی روشی برای کشف نادرستی‌اش وجود ندارد، زیرا مثلاً اگر بگوییم چرا فلانی چنین کرد، جواب می‌دهند چون دنبال قدرت بود و اگر بپرسیم چرا بهمانی درست خلاف آن انجام داد باز جواب می‌دهند چون او هم دنبال قدرت بود.
– اشکال این نظریه این است که نتیجه سخنش این می‌شود که اخلاق دنبال ایجاد کاست است و یک لازمه این سخن این است که پشت همه کثرات ظاهری همه نظامهای اخلاقی یک وحدت واقعی وجود دارد، که کسانی مطلقاً مخالف وجود چنین وحدتی هستند. اما من معتقدم چنین وحدتی وجود دارد، ولی حفظ کاست نیست.
اشکال دیگر این است که با توجه به سه مؤلفه اخلاقی بودن که در ابتدا از قول دروکیم نقل کردم، اگر بپذیریم که مؤلفه اول (کف نفس) به سود اقویاست، اصلاً نمی‌توانیم بپذیریم که دو عامل دیگر (نوع‌دوستی و خودفرمانروایی) به سود اقویا باشد، بلکه اتفاقاً این دو مؤلفه از قدرت اقویا و ضعف ضعفا می‌کاهد. ادامه
– اشکال دیگر این است که اگر این سخن درست است، پس چرا حالا که بشر از آن باخبر شده است دست از اخلاق برنمی دارد؟ ممکن است بگویند چون هنوز خوب درنیافته است، می‌گوییم چقدر زمان لازم است؟ ۲۵۰۰ سال از زمان تراسیماخوس گذشته است! خیلی سفیهانه است که انسان بفهمد بزرگ‌ترین چیز زندگی‌اش در خدمت اقویاست اما از آن دست برندارد. تراسیماخوس جوابی نقضی به این اشکال داده است و گفته بله اما اولاً کسانی هم هستند که بعد از دانستن این رأی دست از اخلاق برداشته‌اند و ثانیاً آنها که در عین دانستن این رأی باز هم به اخلاقی زیستن ادامه می‌دهند احمق اند. جواب به این سخن این است که انصافاً به سادگی نمی‌توان بزرگانی را که در طول تاریخ اخلاقی زیسته‌اند احمق خواند، یعنی این سخن را به لحاظ پیشین و منطقی ممکن است پذیرفت ولی به لحاظ پسین و تاریخی دیگر نمی‌توان سقراط و اسپینوزا و پاسکال و کانت را که از بزرگ ترین متفکران و از اخلاقی‌زیست‌ترین انسانها هستند احمق دانست و هیتلر و استالین را احمق ندانست، این خلاف شهود است.



این دیدگاه هر چند در محافل علمی چندان قوی تلقی نشده است، اما کم نیستند کسانی که به طور ارتکازی این رأی را در ذهن دارند و ترقی فرد را علی‌رغم اخلاق می‌دانند، رجوع کنید به مقاله کلاسیک هایک که می‌گوید چرا در نردبان قدرت هر چه پست تر باشیم بالاتریم.
منبع: روانشناسی اخلاق ، ج۸

به بهانهٔ سخنان اخیر سعید حجاریان

انتخابات یا گدایی قدرت؟

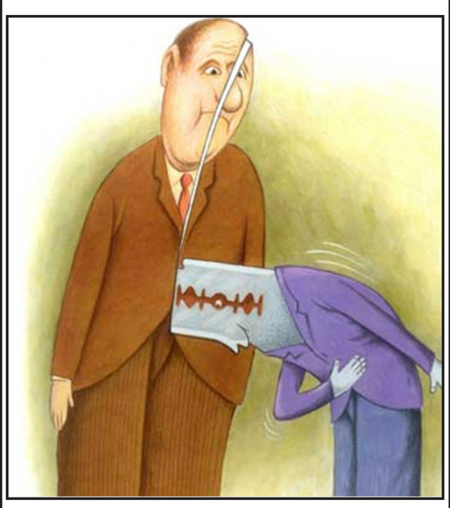
مهرداد خدیر: «انتخابات، به معنای کنونی آن، مصداق گدایی قدرت است. اصلاحات، صدقه بگیر نیست و اگر مکنت دارد باید با اتکا بر آن به بازار سیاست برود. اگر پول بازار سیاست را نداشتیم باید بکوشیم آن را کسب کنیم نه آن که به هر بُنجُلی تن دهیم.»
این جملات، سخنان تازهٔ سعید حجاریان است که در گفت و گو با تارنمای «مشق نو» مطرح کرده است.
فارغ از این که این تعبیر چقدر با واقعیت های کنونی عرصهٔ سیاست در ایران سازگار است یا به قصد هشدار، اغراق شده است اما بیان آن از زبان یک سیاست‌مدارکهنه کار قابل تأمل است.
این که افرادی برای تأیید صلاحیت به این در و آن در بزنند تا ابتدا هیأت های اجرایی و بعد هیأت های نظارت و در نهایت شورای نگهبان صلاحیت او را تأیید کنند تا بتواند وارد ساختار قدرت شود و باز هم دل شان بلرزد که دست آخر چه خواهد شد، با تعبیری که آقای حجاریان به کار برده انطباق دارد یا نه؟
این که پس از انتخاب هم دغدغه داشته باشد که با یک تصویر خصوصی ۲۰۰ هزار رأی او را مانند خانم مینو خالقی نمایندهٔ اصفهان، باطل کند یا نه، چطور؟
انتخابات برای این است که مردم یک حزب یا یک گفتمان را بر دیگری ترجیح دهند و کار و میدان را به او بسپارند تا ایده های خود را عملیاتی کند و اگر توانست تمدید شود و اگر نتوانست به دیگری بسپارد.
نه این که قدرت را اتوبوسی بدانیم که تنها برخی صندلی ها در آن قابل جا به جایی است و برای سوار شدن در این اتوبوس باید به دنبال آن بدوی تا جایی را لطف کنند و درِ پشتی را باز کنند. در عمل و در صحنه سیاست ما اما چه اتفاقی افتاده است؟
چهره های سیاسی باید التماس کنند تا نام آنان در فهرست تأیید صلاحیت شده ها اعلام شود و تازه وقتی به مجلس راه یافتند و مصوبه ای را گذراندند باز نظر لطف شورای نگهبان شامل حال آنان شود. در ماه های اخیر البته نهادهای دیگر هم اضافه شده است.
از این روست که برخی از فعالان سیاسی گفته اند ترجیح می دهند خود را کنار بکشند و تنها نظاره گر باشند.
اگر قرار نیست با انتخابات، قدرت ولو در بخش هایی محدود دست به دست شود اصلا چرا انتخابات برگزار می کنیم؟ اگر قرار است تنها صف هایی تشکیل شود به بهانه های دیگر هم می توان وفاداران و تأییدکنندگان را در میدان شهر جمع کرد یا برنامهٔ دیگری ترتیب داد.
نفر اول شورای شهر تهران یک میلیون و ۷۰۰ هزار رأی آورده و به این نهاد راه یافته است. پسر ارشد یکی از مؤسسان جمهوری اسلامی هم هست. منتها باید چند روز با وزیر کشور گفت و گو کند تا حکم شهردار منتخب شان را امضا کند. خوش بختانه این قضیه ختم به خیر شد. اما تصور کنید رییس جمهور دخالت نمی کرد و حکم شهردار حناچی صادر نمی شد. چه احساسی به انبوه رأی دهندگان دست می داد؟
بحث شهردار شدن یا نشدن پیروز حناچی نبود. مهم این بود که با انتخاب منتخبان مردم چگونه برخورد می شود. جای دیگر هم نوشتم آقای وزیر کشور در توضیح یا توجیه گفتند باید فرآیند قانونی طی می شد. بله باید طی می شد. اما آیا دستگاه متبوع ایشان فرآیند سرخوردگی اجتماعی را بررسی کرد؟
جالب این که شنیده‌ایم وزیر کشور از خود سلب مسؤولیت کرده و گفته مسؤولیت صدور حکم شهردار را نمی پذیرد و نهایتا رییس جمهور دستور می دهد. خوب نیست این تصور درگیرد که آقای رحمانی فضلی انتظار داشته آقای حناچی «گدایی قدرت» کند و خوشبختانه عزت نفس خود را هم حفظ کرد. اساسا وقتی شورایی که رییس آن یک میلیون و ۷۰۰ هزار رأی آورده و ۲۰ عضو دیگر هم همه از یک نحلهٔ سیاسی انتخاب شده و او را برگزیده اند و شخصا زندگی سالمی داشته و می خواهد برای شهر و مردم شهر کاری کند چرا باید التماس کند؟
قاعدتا مکانیسم ها و بررسی های قانونی قبلا باید طی می شده و دلیلی نداشته این همه طول بکشد؟



چرا این اتفاق افتاد؟ چون در بخش هایی از قدرت این نگاه وجود دارد که باید التماس کنند تا کرسی های محدودی به آنها واگذار شود و تازه هر روز هم رسانه هایی که انتخابات را به مفهوم دیگری مد نظر دارند تحقیر و تهدید کنند.
دقیقا مشخص نیست که نظریه‌پرداز اصلاحات از یک رویکرد خبر داده یا نظر شخصی خود را مطرح کرده است. اما این نکته روشن است که اگر در نوع اعمال نظارت استصوابی تجدید نظر نشود و دیدگاهی که آقای کدخدایی سعی در دفاع و توجیه آن دارد مدام بخواهد بگوید حرف اول و آخر را شورای نگهبان می زند آن گاه شاید کسانی هم پیدا شوند و بگویند بسیار خوب. حرف اول و آخر را خودتان بزنید و خودتان اسامی را نهایی کنید و خلاص.
تعبیر سعید حجاریان تن دادن غیراصول گرایان به هر گونه رویکرد را به لحاظ اخلاقی و شخصیتی زیر سؤال برده و حاوی این پیام است که یا با اعتبار و پول کافی قدم به بازار قدرت بگذارند یا اگر اعتبار کافی ندارند آن را به دست آورند نه آن که چون بضاعت، اندک است به هر کالایی تن داده شود.
انتخابات برای دمیدن روحیه عزت نفس است و چرا کسی باید به خاطر گذر از هفت خوان انتخابات این عزت نفس را ملکوک کند؟ اگر قرار است در دنیا سرمان را بالا بگیریم و زیر بار هر حرفی نرویم نمی توانیم کاری کنیم که چهره های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که می خواهند شرافت مندانه وارد بازی انتخابات شوند ناگزیر باشند گردن کج کنند.
عصر ایران

جهان‌بینی مورچه‌ای یا عصر چاپلوسان و کاسه‌لیسان؟

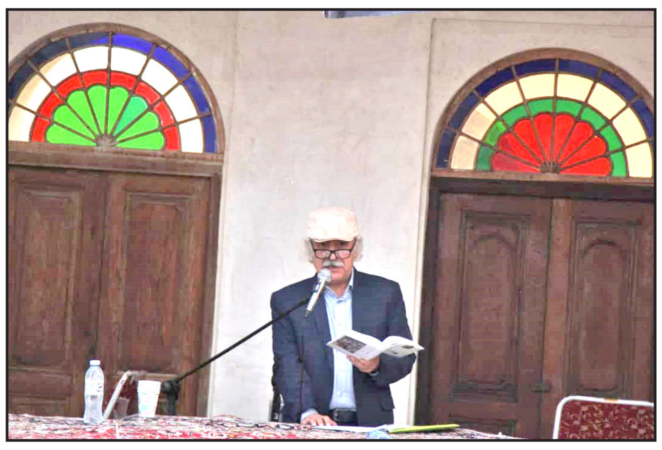
احسان‌محمدی: می‌گویند مورچه‌ای روی برگ درختی بود. آب آمد و برگ را بُرد و مورچه فریاد می‌زد: فرار کنید! دنیا را آب بُرد!
گاهی فکر می‌کنم این توهم و ترس از اینکه همه‌چیز خراب است و رو به زوال، ریشه در این جهان‌بینی مورچه‌ای دارد! اینکه وقتی آب می‌افتد به دنیای کوچک‌مان حس می‌کنیم که دنیا را سیل برداشته است در حالی‌که مردم شاد و خندان در ساحل نشسته‌اند و نان و ماست‌شان را می‌خورند.
هیچکس با قاطعیت نمی‌تواند بگوید می‌داند در آینده چه رخ می‌دهد. جامعه‌شناسان و روزنامه‌نگاران فقط نشانه‌ها را می‌بینند و فریادشان می‌زنند. اما نمی‌توانند با قاطعیت بگویند که همه‌چیز را می‌دانند. برخی از جامعه‌شناسان بر این باورند که این کشور در طول هزاران سال از تلاطم‌های بسیاری گذشته است و بر اساس چند نشانه و حدس و گمان نمی‌توان حکم کلی صادر کرد و جامعه خاصیت تطابق عجیبی دارد و نباید گزاره‌های شخصی را به عنوان نسخه ملی بپچد. نسخه‌ای که نه تنها درمان نمی‌کند بلکه ممکن است حال بیمار را بدتر کند!
با این همه پزشکان هم از روی نشانه‌ها، بیماری را تشخیص می‌دهند. نبض و ضربان قلب و تب را می‌سنجند و به بیمار می‌گویند که چه خطری تهدیدش می‌کند. روزنامه‌نگار و جامعه‌شناس، پزشک نیست، چنین ادعایی هم ندارد که درمانگری می‌داند اما نشانه‌ها را می‌شناسند، می‌بیند و آن را به اهل خرد و سیاست می‌گوید و دردناک است که برخی از سیاسیون نه تنها سپاسگزار این کار نیستند بلکه سنگ در جام این جماعت می‌اندازند و می‌گویند شما بدبین هستید و سیاه نمایی می‌کنید!
بیش از هر زمان دیگری نگرانم. نشانه‌هایی که می‌بینم دلم را گرم نمی‌کند. چند ساعتی در یک نشست اداری بودم و از حجم تملق مدیران،



تصورات و توهمات‌شان نسبت به جامعه واقعی ترسیده‌ام. مگر می‌شود تا این اندازه خیالپردازی های شخصی را به عنوان واقعیات جامعه با صدای بلند توی یک جمع گفت؟
چند روز قبل آذری‌جهرمی وزیر ارتباطات از گزارش خلاف واقع برخی به یک مقام ارشد و تصمیم‌گیر نظام خبر داد و گفت عده‌ای برای پیشبرد مقاصد خود چنین بولتن‌هایی می‌سازند و مقامات هم بر اساس آن تصمیم می‌گیرند. در این نشست فکر می‌کردم که اتاق فکر یا مشاور این حضرات دقیقاً چه کسانی هستند که چنین خوراک فکری آلوده و کاذبی به آنها می‌دهند که چنین افسانه هایی می‌گویند و لابد عده‌ای باور می‌کنند!
این کشور به افراد صادق بیش از مجیزگو و کاسه‌لیس نیاز دارد. به کسانی که با صداقت و صراحت عیب‌هایش را می‌گویند، دردهایش را پنهان نمی‌کنند و به درمانش می‌کوشند. در عصر حاضر امکان پنهان‌کردن واقعیت‌ها زیر فرش میسر نیست. مردم می‌دانند و می‌بینند. شبکه‌های اجتماعی به همه امکان دسترسی به اخبار را می‌دهد و مردم دست به مقایسه می‌زنند و می گویند اگر دلتان برای معترضان فرانسوی می‌سوزد، برای کارگران هفت تپه هم بسوزد.
رسول خدا (ص) در نکوهش چاپلوسی دستور دادند: «به صورت ستایشگران چاپلوس خاک بپاشید». بزرگان مراقب چاپلوسان و کاسه‌لیسان منفعت‌طلب باشند. در دلسوز این کشور نیستند، وقتش برسد خاکش را در توبره می‌کنند و می‌فروشند!
آنها که تحت هر شرایطی می‌گویند: «شهر در امن و امان است» اگر غافل نباشند، لزوماً دوست این کشور نیستند. منتقدان اگر زبان‌شان تلخ است اما ممکن است ثمره شنیدن و عمل کردن به آن شیرین باشد.
عصر ایران

متن سخنرانی حافظ موسوی شاعر و نویسنده در مراسم سیزدهمین یادمان منوچهر آتشی

منوچهر آتشی، شاعر میهن و نماد بوشهر



بسیاری از هنرمندان هنگامی که پروندۀ زندگی جسمانی شان بسته می شود، پروندۀ زندگی هنری آن ها هم به همراه آن بسته می شود. اندکند هنرمندانی که پس از مرگ همچنان در آثارشان و با آثارشان زنده می مانند و همچنان بر حیات فرهنگی نسل های بعد تأثیر می گذارند. منوچهر آتشی یکی از این نوع هنرمندان بود. جمع امروز ما در بوشهر و بازخوانی شعر او در هر کجای این کشور نشانه ای از تداوم حضور و حیات هنری آتشی است. آتشی فرزند این دیار است. شعر او شناسنامۀ این خطه از کشور ما است. طبیعت و فرهنگ این منطقه، از دامنه های زاگرس گرفته تا اعماق آب های خلیج فارس، از کوچه های آشتی کنان بوشهر تا خاطرۀ باشکوه سیراف قدیم، از تپه های آن سوی گزدان تا قشلاق بوشکان و خطۀ دشتستان، از تی تروک و خرگ و کرمجی و برگه سالو گرفته تا ملوانان و دریانوردان منطقه، در شعر آتشی، نام و هویت هنری یافته اند. آتشی به راستی نماد بوشهر است. آتشی به این شهر و مردمش عشق می ورزید. در تهران که بود، از دیدار همشهری هایش چنان مشعوف می شد که برق شادمانی کودکانه ای را در چشم هایش می توانستی ببینی. چنان که من دیده بودم. همشهری های او در این سال ها ثابت کرده اند که سزاوار و شایستۀ چنان مهری بوده اند. درود بر شما که قدر و منزلت او را – تا بود – می دانستید و اکنون گرد نام بلند او حلقه زده اید و میراث فرهنگی و ادبی او را، که بی تردید بخشی سترگ از هویت فرهنگی خود شماست، پاس می دارید.

دربارۀ شعر آتشی، چه در زمان حیات او، و چه در این سال ها که چشم بر نیک و بد روزگار ما فروبسته است، بسیارانی سخن گفته اند. زنده یاد محمد حقوقی از بین معاصران، او را متخیل ترین شاعر زبان فارسی می دانست. در دیوان حجیم آتشی کمتر صفحه ای را می توانید پیدا کنید که خالی از تصاویر بدیع و شگفت باشد. تخیل آتشی حد و مرز نداشت. پرش های تخیل او در شعر، گاه چنان بلند و پرشتاب است که خواننده، حتی خوانندۀ اهل را، در منزل های اول جا می گذارد. از این رو برخی از شعرهای او به مذاق خوانندۀ راحت طلب که حوصلۀ تامل و بازخوانی ندارد، خوش نمی آید. زنده یاد سپانلو نیز بارها برای ما از اعجاز تخیل آتشی سخن گفته بود. یادم هست سپانلو می گفت وقتی نخستین بار این بند از شعر آتشی را خوانده یا شنیده است که می گوید: "کسی تلفن زده است این جا / و زنگ/ آنقدر لرزانده است هوا را / که شانه های سکوت از نفرت لرزیده است." از قدرت تخیل آتشی حیرت کرده است.



بعضی از منتقدین به درستی آتشی را "نیمای جنوب" خوانده اند. شباهت آتشی به نیما در رویکرد مشترک آن ها به عناصر طبیعت و اقلیم زادگاه شان محل تردید نیست. نیما در شعر خود از نام های پرندگان، گیاهان، کوه ها، رودخانه ها، آبادی ها و از باورها و آداب و رسوم محلی، فرهنگ کشت و کار و ... چه در مقام توصیف، و چه در مقام استعاره به وفور



استفاده کرده است. آتشی هم در شعر خود همین کار را با طبیعت و اقلیم جنوب کشور کرده است. نیما و آتشی در واقع اقلیم شعر فارسی را گسترش داده اند. نیما و آتشی هر دو دلبستۀ طبیعت بودند. طبیعت برای آن ها سرچشمۀ خلاقیت بود. آن ها با طبیعت پیوند داشتند و خود را همذات طبیعت می دانستند؛ از این رو هر دوی آن ها در بیان تجربه های فردی و توصیف حالات و خلجان های روحی و عاطفی خود به سراغ طبیعت می رفتند و همان حالات را در طبیعت می یافتند و توصیف می کردند. نیما درون مضطرب و پرآشوب خود را با دریایی برآشفته و طوفانی می سنجید: (هنگام که گریه می دهد ساز / این دود سرشت ابر بر پشت/ هنگام که نیل چشم دریا / از خشم به روی می زند مشت ...). آتشی، شکفتن و جان یافتن از دیداری عاشقانه را این گونه توصیف می کند: "بیایی و پای نازکت آب بدهد / آهوی نخ نمای قالی را / تا از پس پنجاه سال تشنگی / سیراب، موی نو برآورد و/ چالاک خیز بزند فراز چکاد و بایستد آن بالا / شاخ در شاخ آفاق بامداد" (اتفاق آخر، ص ۳۵) آتشی برای توصیف اوج شکوه زندگی، برای توصیف عالی ترین لحظۀ کامیابی عاشقانه، جز در طبیعت، همتا و همسانی نمی یابد. شهر و دنیای مدرن در چشم انداز او فاقد چنین لحظه هایی است. از این رو نیما و آتشی هر دو به شهر و زندگی شهری بدگمان اند. نیما می گوید: "من از این دونان شهرستان نی ام/ خاطر پر درد کوهستانی ام" و آتشی شهر را این گونه توصیف می کند: "روز که می آید/ تعطیل می شوند عاطفه و کوچه/ و شهر/ سراپا/ کارخانه ی بزرگی/ که وهم تولید می کند" (همان، ص ۴۷)

علاوه بر این ها، آتشی به بوطیقای نیما عمیقاً باور داشت و تا پایان عمر از آن دفاع کرد. او کتاب "نیما را باز هم بخوانیم" را در واپسین سال های عمر خود (۱۳۸۱) نوشت و در آن، درک عمیق و ارادت و شیفتگی خود را نسبت به نیما نشان داد.

اما منتقدین دیگری هم بودند و هستند که رویکرد آتشی به طبیعت و به ویژه بدگمانی و گاه نفرت او از شهر را نوعی نوستالژی واپسگرا ارزیابی کرده اند و می کنند. یکی، اسطوره سازی او از "عبدو" را دفاع از یاغیان و راهزنانی می داند که مأیوسانه دست به اسلحه می برند تا استقرار نظم و نظام بورژوایی را – که به هر حال مترقی تر از نظام فئودالی و عشیره ای پیشین بوده است – به تأخیر اندازند؛ دیگری "اسب سفید وحشی" او را تجسم ایدئولوژی مطلق گرای روشنفکران دهۀ چهل و سوار آن اسب را بازماندۀ عیاران دنیای قدیم که اکنون به اراذل و اوباش شهری بدل شده اند ارزیابی کرده است.

محمد مختاری اما برخلاف اینان، تمایل آتشی به شورش و عصیانگری هایی از این دست و نگرش کلی آتشی را آن گونه که در شعرش بازتاب یافته است این گونه ارزیابی کرده است: "نگرش آتشی را کشش غریزی به سوی انسان و احساس بومی عدالت خواهی و تجربۀ حسی زندگی او سبب شده است." مختاری در کتاب "انسان در شعر معاصر" آتشی را با فروغ مقایسه کرده و نوشته است: "نگرش فروغ اساساً از دل شعر و ماهیت غنایی آن، و به گونه ای خودانگیخته و حسی مایه گرفته است. شاید نزدیک ترین شاعر معاصر ما به این ویژگی حسی و خودانگیختگی انسانی همانا آتشی باشد." (ص ۵۶۱).

مختاری در همان مقاله یادآوری کرده است که اگر چه آتشی در برخی از شعرها و دوره هایی از کار شاعری اش، به انسان و اجتماع انسانی از منظر ایدئولوژیک نگریسته است، با این حال گرایش غالب در شعر آتشی، گرایش غریزی و حسی است. من به حرف مختاری این را هم اضافه می کنم که در کارنامۀ شاعری آتشی در دو دهۀ آخر عمرش، گرایش غنایی و حسی غلبه داشته است. آتشی شاعر "لحظه" بود. در لحظه از هر پدیده و رویدادی متأثر می شد و آن را در دستگاه نیرومند تخیلش که بی وقفه کار می کرد، ورز می داد و به شعر بدل می کرد. آن لحظه می توانست لحظه ای عاشقانه، لحظه ای نومیدانه، لحظه ای سرخوشانه، لحظه ای خشماگین، یا فقط لحظه ای از دیدار یک دوست، یک زن زیبا، یک گل نورسته، یا هر لحظۀ دیگری باشد. شعرهای برآمده از این لحظه ها ممکن است همواره همسو نباشند و چنین به نظر برسد که شاعر فاقد دستگاه اندیشگی منسجم است.

به گمان من این حکم در مورد آتشی درست نیست. شاعرانی که بر خط یک ایدئولوژی معین حرکت می کنند در معرض این خطر هستند که شعرشان به مقاله یا انشاء بدل شود. از سوی دیگر، شاعرانی که صرفا بر حس و غریزۀ خود متکی هستند در معرض این خطر قرار دارند که شعرشان از ژرفای اندیشگی بی بهره گردد. شاعران راستین آنانند که ماهرانه بین این دو خط حرکت می کنند. نیما یکی از بهترین نمونه های چنین شاعرانی در زبان فارسی است. من از این منظر، آتشی را به نیما نزدیک می بینم.

در دیوان دو هزار و اندی صفحه ای آتشی که حاصل دست کم سه دورۀ تاریخی کشور ما است (جنبش ملی شدن صنعت نفت تا کودتا – پس از کودتا تا انقلاب بهمن – دهۀ شصت به بعد) طبیعی است که اشعاری متفاوت و گاه با دیدگاه هایی متضاد پیدا شود. اما به رغم تفاوت ها و تغییر منظرها، دو محور در شعر آتشی همواره ثابت، یا تقریباً ثابت بوده است: گرایش به طبیعت و بد گمانی به شهر و دنیای مدرن.

گرایش آتشی به طبیعت – همان طور که پیش از این گفتم – برآمده از احساس غریزی او از پیوند انسان با طبیعت بود. از دید آتشی، زیبایی ناب آنگاه پدیدار می شود که انسان و طبیعت به یگانگی برسند؛ انسان و طبیعت در تعادلی طبیعی (نه لزوماً آرمانی) با هم و در کنار هم باشند. به همین دلیل او در بیان زیباترین لحظه های عاشقانه، انسانی و عاطفی، توصیف زیبایی و کمال طبیعت را، هم ارز و همشانه با توصیف حالات انسانی پیش می برد. در اغلب شعرهای عاشقانۀ آتشی طبیعت یک پای ماجرا است، گاه میانجی است، گاه بستر، گاه شاهد، گاه مکمل: "سپیده دم / زنبق ها بیدار می شوند/ غوطه ور در شبنم/ و بوی آویشن و بابونه/ از آغوشم خواهد گریخت./ کجای این دره ی پرسایه خوابیده بودیم/ که جز صدای تیهو ها/ و بوی آویشن بر شانه هایم/ چیزی به یاد نمی آورم؟/ همیشه دلهره ی گم شدنت را داشتم/ تو رفته ای/ و زمین دیگرگونه می چرخد/ یقین دارم اما که خواب ندیده ام/ که تو در کنارم بوده ای/ که با تو سخن گفته ام/ به سایه سار دره که رسیده ایم/ تو ساقه ی مرزنگوشی زیر دماغمان گرفته ای/ و دیگر، چیزی به یادم نمانده است." (بخشی از شعر فراقی ۲ از دفتر گندم و گیلاس)

آتشی در شعر نقاشی (چه تلخ است این سیب، ص ۲۱۸) که یکی از درخشان ترین شعرهای زبان فارسی در نفی و نهی کشتار و اعدام است، زشتی قتل و کشتار را از محدودۀ روابط انسانی فراتر برده و به طبیعت تسرّی داده است. او در این شعر از حق مطلق حیات دفاع کرده است. انسان و طبیعت به یکسان باید از حق زندگی برخوردار باشند. از این منظر فرقی میان دختر دشتستانی و رهزن کوهستانی نیست. همین طور فرقی بین انسان و پازن کوهی و آهوی دشتی نیست: (چه پازن کوهی باشد چه آهوی دشتی/ گلوله میان دو چشم زیبا زیبا نیست/ اگر که می توانی/ دو شاخ بلند برجسته ترسیم کن – فراز دره / که آسمان را/ مانند تاج فیروزه در میانه گرفته باشند/ یا نه، دو چشم خم شده بر مرتع/که دشت سبز را / تا دوردست سایه زنند./ گلوله در میان دو چشم بینا زیبا نیست/ – چه دختر دشتستانی باشد چه رهزن کوهستانی– / زیبا فقط/ خال زمردین میان دو ابروی کولی است.) این شعر در سال ۷۱ نوشته شده و مقایسۀ آن با شعر دهۀ چهل آتشی، تحول دیدگاه او، و همین طور غلبۀ رویکرد حسی و غنایی در شعر سه دهۀ آخر عمر آتشی را که پیش تر به آن اشاره کردم، به خوبی نشان می دهد.

در مورد بدگمانی آتشی به شهر و دنیای به اصطلاح مدرن، اگرچه من منکر آن نیستم که بدگمانی آتشی به شهر و شیفتگی او نسبت به طبیعت، آنگاه که به افراط می گراید، از سویه های واپسگرایانه در امان نمی ماند؛ با این حال نگاه آتشی به شهر و دنیای مدرن در کلیت خود، نگاهی انتقادی است و نه واپسگرایانه؛ نگاهی که مارکس از تحلیل عقلانیِ ساز و کار جامعۀ سرمایه داری و تناقض های درونیِ آن، به آن رسید و آتشی از منظری شخصی، عاطفی و تجربی.

آتشی از فقدان یا کم رنگ شدن زیبایی و عشق در جامعۀ شهری و مناسبات سرمایه داری و فروکاستن همۀ ارزش های انسانی به "سود" و تنزل روابط انسانی به روابط کالایی و خدشه دار شدن چهرۀ طبیعت، شکوه و شکایت داشت؛ وگرنه از دیدن حتا یک لحظَه از زیبایی و عشق در شهر مدرن غفلت نمی ورزید. آتشی در شعر "اتفاق آخر" که در سال ۷۹ سروده شده، دیدگاه خودش را در مورد شهر واکاوی و نقد کرده است. این شعر مکالمه یا مباحثه ای است بین دو نفر یا دو دیدگاه دربارۀ شهر. دیدگاه اول شهر را دیوانه ای تمام عیار، دیوانه ای سرسام گرفته و دیوانه ای که به زنجیر افتاده است می داند و دومی در نهایت، تجربۀ زیستۀ خود را این گونه بیان می کند: "من اما در همین شهر/ از بوستانی گذشتم و عشق را دیدم/ که ناگهانی از پس نارونی درآمد/ – با دامن گلی رنگ و بی عینک آفتابی –/ و لبخندی به سمت قلب شاعر هفتاد ساله ای شلیک کرد/ و هوا



ناگهان بارانی شد." (اتفاق آخر، ص ۱۲۹)

آتشی در جستجوی زیبایی بکر، یا بکارت زیبایی بود، چنان که در همین شعر، تمثال عشق را، زنی با دامن گلی رنگ، اما بی عینک آفتابی، تجسم یا تخیل کرده است. تاکید شاعر بر"بی عینک آفتابی" بودن زن در این شعر، تأکیدی معنادار است. آتشی در یکی دیگر از شعرهایش در جستجوی نامی است که شایستۀ صفات معشوقۀ او باشد. هر نامی را که بر می گزیند می بیند آن نام از احتمال خدشه مبرا نیست. سرانجام، شعر این گونه به پایان می رسد. "فقط با کره گان پیمبر می زایند/ باکره بمان!"..... اما چه کنیم که دیگر پیامبری زاده نخواهد شد!

در نشست شبی با حافظ در نگارخانه سوره حوزه هنری استان بوشهر

تقدیر از خدمات فرهنگی هنری امید غضنفر

برنامه ۱۸۴ شبی با حافظ به همراه تقدیر از خدمات فرهنگی هنری استاد امید غضنفر در محل نگارخانه سوره حوزه هنری استان بوشهر برگزار گردید.

به گزارش روابط عمومی حوزه هنری استان بوشهر، نشست شبی با حافظ با عنوان شرح غزل ۴۹۱ توسط دکتر رضایی به همراه تقدیر از خدمات فرهنگی هنری استاد امید غضنفر و با حضور جمع کثیری از شاعران و نویسندگان بوشهر در نگارخانه سوره حوزه هنری برگزار گردید.

علی هوشمند از شاعران استان بوشهر در تقدیر از امید غضنفری به عنوان نویسنده، روزنامه نگار و شاعر بوشهری گفت: همگی بر فعالیت های امید غضنفری در حوزه فرهنگ و ادبیات استان واقف هستیم و امروزه ترانه های او زمزمه ی مردم شهر، روستا و کوچه و خیابان است. دو دفتر شعر به نام های «بی با تویی ها» و «فریم های شهر نگاتیو» از او منتشر شده است.



وی افزود: غضنفری سردبیر نشریه بوشهرنامه و دبیر بخش ادبی هفته نامه پیغام بوده است؛ همچنین برگزاری مراسم تجلیل از چهره های فرهنگی را به عهده داشته و علاوه بر تمام حسن ها و استعدادهایش، یک انسان به تمام معناست.

در ادامه اکبر هنرور، آهنگساز و نوازنده بوشهری نیز از توانایی های این شاعر نام برد و گفت ظرفیت غضنفری از فعالیت هایش بسیار بالاتر است. مهدی جهانبخشان از طنزپردازان استان بوشهر نیز با خواندن



طنز خود در وصف امید غضنفری از زحمات ایشان تقدیر به عمل آورد.

در این نشست امید غضنفری ضمن تشکر از حضور هنرمندان گفت: این نشست، مراسم تقدیر شما از من نیست بلکه مراسم تقدیر ویژه و ابدی من از شماست. وی در ادامه بخشی از اشعار خود را سرود.

در پایان عباس عاشوری نژاد رییس انجمن دوستداران حافظ بوشهر ضمن ایراد لوح سپاس از زحمات فرهنگی و هنری امید غضنفری در بیش از سه دهه در استان بوشهر قدردانی نمود.

با ارائه آثار هنرمندان ملی؛

نمایشگاه «اهواز سرافراز» در بوشهر برپا شد

نمایشگاه «اهواز، سرافراز است» با تعداد ۴۵ اثر از هنرمندان هنرهای تجسمی کشور، در گالری سوره حوزه هنری استان بوشهر برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، امید پارسایی‌فر رئیس حوزه هنری استان بوشهر در جمع خبرنگاران با اشاره به برپایی نمایشگاه گروهی پوستر «اهواز سرافراز» در گالری سوره اظهار داشت: این نمایشگاه شامل ۴۵ اثر پوستر در ابعاد ۵۰ در ۷۰ سانتیمتر است.

وی افزود: بعد از حادثه تلخ تروریستی در اهواز، پس از جمع آوری آثار هنرمندان گرافیست سراسر کشور به همت واحد هنرهای تجسمی ستاد مرکزی در تهران نمایشگاهی با عنوان «اهواز، سرافراز است» بر پاشد. حوزه هنری بوشهر نیز برای ابراز همدردی



با خانواده شهدا و مجروحان حادثه تروریستی اهواز و محکومیت جنایتکاران و حامیان منطقه ای تروریسم میزبان این آثار است.

پارسایی‌فر هدف از برگزاری این نمایشگاه را استفاده از توان هنرمندان ملی و استانی برای به تصویر کشیدن مقاطع مختلف مقاومت و سرافرازی ملت ایران خواند و افزود: با وجود اینکه آثار در مدت زمان کوتاهی جمع آوری شده اند ولی دارای کیفیت بالای استانداردهای تصویری و گرافیستی هستند.

وی خاطرنشان کرد: بوشهر نیز این امکان را پیدا کرد که با همکاری مرکز هنرهای تجسمی ستاد مرکزی حوزه هنری و با مساعدت استاد مسعود شجاعی طباطبایی، به عنوان یکی از شهرهای برگزارکننده این نمایشگاه بعد از تهران معرفی شود.

رئیس حوزه هنری استان بوشهر اضافه کرد: نگارخانه سوره در ابعاد جدید این امکان را داراست که نمایشگاه هایی با کیفیت ملی برگزار کند و حوزه هنری این آمادگی را دارد تا در شهرستان های مختلف استان نیز این نمایشگاه را برپا کند.

پارسایی‌فر با اشاره به راه یابی سه اثر از هنرمند گرافیست بوشهری، ابوالقاسم طحانیان در این نمایشگاه گروهی، از برپایی کارگاه آموزشی طراحی پوستر با حضور ابوالقاسم طحانیان در نمایشگاه «اهواز سرافراز» خبر داد و گفت: از هنرمندان هنرهای تجسمی و عموم مردم، دانش آموزان و دانشجویان دعوت به عمل می آید تا از این نمایشگاه دیدن کنند.

برگزاری جشنواره قصه گویی باشگاه های کتاب خوانی در بوشهر

جشنواره قصه گویی با حضور باشگاه های کتاب خوانی کودک و نوجوان در سالن اجتماعات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر برگزار شد.

به گزارش ایرنا، کارشناس واحد کتاب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در جمع خبرنگاران گفت: کتاب خواندن کودک و نوجوان از دوران کودکی علاوه بر علاقه کودک به کتاب و کتاب خوانی باعث شکل گرفتن شخصیتی تاثیرگذار در جامعه می شود.

پریسا امیری افزود: در این ارتباط ۸۰ باشگاه کتاب خوانی کودک و نوجوان شهر بوشهر بصورت



گروهی توانایی خود در این عرصه به نمایش گذاشتند و مباحث مختلف علمی را بصورت داستان های کودکانه بیان کردند.

وی ادامه داد: اجرای موسیقی، قصه گویی، جنگ شادی از دیگر بخش های جشنواره قصه گویی بود.

امیری اظهار داشت: شناسایی کودکان و نوجوانان قصه‌گو، توسعه کمی و کیفی قصه‌گویی و ترویج فرهنگ کتاب خوانی از مهمترین اهداف این جشنواره است.

در این جشنواره علاوه بر تقدیر از پنج باشگاه برتر فعال در حوزه کتاب خوانی، از اعضا باشگاه های شرکت کننده در جشنواره با اهدا لوح سپاس و کتاب تجلیل شد.

هفته نامه نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷ - ۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com
info@nasimjonoub.com

مقاله
شماره ۸۸۰ یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

بی‌توجهی به میزبانان صنعت؛

بیکاری سیرافی‌ها زیر سایه دود پارس جنوبی/اشتغال حق این جوانان است

قرار گرفتن شهر سیراف بین دو سایت یک و دو پارس جنوبی باعث شده تا آلودگی‌های این صنایع از دو طرف نصیب مردم منطقه شود و انتظار می‌رود صنعت حق این مردم را به خوبی ادا کند.

خبرگزاری مهر - گروه استان‌ها: سیراف شهری باستانی با تاریخی بزرگ در شهرستان کنگان است که از قدیمی‌ترین بنادر ایران است و در دوران گذشته دارای رونق بسیار زیادی بوده است.

در گذشته سیراف پررونق‌ترین بندر کشور بود که روابط تجاری زیادی با روم و یونان در اروپا و ماداگاسکار در آفریقا تا کانتون چین در آسیا در دوره‌های ساسانی و اسلامی داشت.

بندر سیراف در بین دو منطقه صنعتی پارس جنوبی یعنی سایت یک در شهرستان عسلویه و سایت دو در شهرستان کنگان قرار گرفته است و از این نظر دارای ویژگی خاصی است.

یکی از ویژگی‌های پارس جنوبی ایجاد آلایندگی بسیار بالا است که شرایط سختی را برای زندگی مردم در شهرها و روستاهای اطراف این صنایع ایجاد کرده است و علاوه بر تهدید سلامت، برخی از مشاغل را نیز از بین برده است.

توجه صنایع به محیط پیرامونی یکی از ضروریاتی است که تاکنون به خوبی مورد توجه صنایع پارس جنوبی نبوده است و مردمی که میزبان شایسته‌ای برای این صنایع بوده‌اند تاکنون به حق خود دست نیافته‌اند.





اشتغال جوانان یکی از بدیهی‌ترین حقوق میزبانان صنایع است که هنوز هم بیکاران بسیار زیادی در بین مردم شهرها و روستاهای پیرامون صنایع پارس جنوبی وجود دارد و این مشکل حل نشده است.

جوانان بیکار بسیاری در شهر سیراف به عنوان منطقه‌ای بین دو سایت پارس جنوبی وجود دارد که چشم‌انتظار همکاری مسئولان برای رفع مشکل بیکاری و اشتغال در پارس جنوبی هستند.

لزوم توجه صنعت به مردم میزبان

حجت الاسلام محمد صادق عاشوری امام جمعه سیراف خواستار تلاش ویژه مسئولان صنایع پارس جنوبی برای رفع مشکلات مردم در این منطقه شد و اظهار داشت: با توجه به قدمت و تاریخی که سیراف دارد نیازمند نگاه ویژه سازمان منطقه ویژه است.

وی خواستار توجه ویژه به مساله محیط پیرامون صنعت و کمک و حمایت در برنامه های فرهنگی و اجتماعی و عمرانی شد و افزود: امروز انصراف تیم محبوب سیراف از لیگ برتر استان را شنیدم که مایه ناراحتی بنده و علاقه مندان و ورزش دوستان شده است؛ امیدواریم از این تیم که بارها در جام حذفی کشور و استان درخشیده حمایت شود.

عاشوری خطاب به مدیرعامل منطقه ویژه پارس بیان کرد: انشاءالله شاهد تعاملات بیشتر از سوی منطقه ویژه پارس باشیم چرا که استعدادهای خوبی در شهرستان کنگان و سیراف وجود دارد که مورد غفلت واقع شده است.

اشتغال حق جوانان سیرافی است

امام جمعه سیراف تاکید کرد: اشتغال حق جوانان سیرافی است و باید جوانان با مدرک کارشناسی و ارشد مشغول به کار شوند و شاهد رفع مشکل بیکاری در این منطقه باشیم.

وی تصریح کرد: سیراف بین سایت ۱ و ۲ پارس جنوبی قرار گرفته و از دو جهت آلودگی هوا به مردم سیراف می رسد و مردم این منطقه حق دارند که از مزایای صنایع از جمله اشتغال بهره‌مند شوند.

نگاه ویژه به محیط پیرامونی خواهیم داشت

مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس که به عنوان نماینده دولت در رسیدگی به محیط پیرامونی پارس جنوبی شناخته می‌شود اظهار داشت: بنده از سیراف شناخت کاملی دارم و هیچ جا مثل سیراف نمی‌شود و برنامه‌های خوبی برای سیراف دارم که آن، شاءالله عملیاتی می‌شود.

سید پیروز موسوی ادامه داد: نگاه من به سیراف یک نگاه ویژه است و تمام تلاش و سعی خود را می کنم که بتوانم رضایت مردم را جلب کنم؛ ما نسبت به محیط پیرامونی وظیفه داریم و با کار کارشناسی شده دنبال رفع نواقص هستیم.

مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس گفت: در باب آموزش برای ارتقای علمی دانش آموزان برنامه مدون داریم و حمایت می کنیم.

ترامپ فقط خودش را دوست دارد

نوشته: آلینا شادوینکل

ترجمه: یونس حیدری



خانم آلینا شادوینکل Alina Schadwinkel – سردبیر سرویس علوم در هفته نامه ی سایت آنلاین Die Zeit Online آلمان – متولد ۱۹۸۷ و فارغ التحصیل رشته ی مطالعات روزنامه نگاری با گرایش علوم زیست پزشکی از دانشگاه فنی دورتموند است. او در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به عنوان کارآموز در سرویس علوم تسایت آنلاین و سپس به صورت آزاد با رسانه های مختلفی همکاری کرده و نهایتاً در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به عنوان سردبیر تسایت Die Zeit مشغول به فعالیت شده است. در سال ۲۰۱۳ به سمت قائم مقام سرویس علوم زیستی نیوساینتیست New Scientist منصوب شده و پس از شش هفته کار رسانه ای در قالب مجموعه فعالیتهای "برنامه های بین المللی روزنامه نگاری" در آفریقای جنوبی، به آلمان برگشته و از ماه اکتبر سال ۲۰۱۳، در سمت کنونی اش (سردبیری بخش علوم هفته نامه ی تسایت آنلاین) در برلین مشغول به کار شده است. خانم شادوینکل که در سال ۲۰۱۵ به عنوان یکی از سی روزنامه نگار برتر دنیا شناخته شده، نامزدی و دریافت جوایزی چند را نیز در کارنامه ی خود دارد. از جمله تلاشهای این فعال عرصه ی رسانه، می توان به مشارکتش در پروژه ای گروهی تحت عنوان خودمحوری Quantified Self اشاره کرد، که باعث شد تا نام وی در فهرست اولیه جهت دریافت جایزه ی ارنست اشنایدر -Ernst Schneider-Preis سال ۲۰۱۶ نیز دیده شود. آنچه می خوانید، ترجمه ای است از جستار روانشناسانه ی کوتاهی که طی آن، این روزنامه نگار به بررسی وجوه شخصیتی دونالد ترامپ رئیس جهمور ایالات متحده ی آمریکا پرداخته است.

ترامپ فقط خودش را دوست دارد

دونالد ترامپ، یک خودشیفته است؛ چیزی که روانشناسان درباره اش متفق القولند. این مشکل نه تنها در سرشت، بلکه در تصمیم گیریهای لحظه ای او نیز وجود دارد.

خودشیفته ها، حقایق را دستکاری می کنند. آنها اتهامات اشتباه را عَلَم می کنند، اغراق می کنند، تحریف می کنند و در عین حال، احساس می کنند که باز هم حق با خودشان است. آنها شیفته ی خودشان هستند و احساس برتری و برجستگی دارند. بهترین نمونه ی خودشیفتگی در این روزها، دونالد ترامپ – رئیس جمهور ایالات متحده ی آمریکا است. او در مبارزات انتخاباتی اش با اظهاراتی افراطی و کذب، همه ی توجهات را به خود جلب کرد و پس از پیروزی در انتخابات و رسیدن به قدرت، تصمیمات افراط گرایانه ی زیادی همچون ممانعت از مسافرت اتباع هفت کشور مسلمان به آمریکا را اتخاذ، و برنامه ریزی جهت احداث دیوار مرزی میان آمریکا و مکزیک را در دستور کار خود قرار داد.

مجموعه ای از همین رفتارهای غیرمعمول ترامپ، خیلی زود باعث شد که برخی روانپزشکان و روانشناسان، دیدگاه مناقشه برانگیزی را در مورد وی مطرح کنند: "به دلیل اختلال در وضعیت روانی، دونالد ترامپ از رهبری ایالات متحده ی آمریکا عاجز است!" بعضی از این کارشناسان، حتی پیشتر رفته و ابتلاء به نوعی خودشیفتگی بدخیم را به ترامپ نسبت می دهند. در همین رابطه، اخیراً دکتر جان گارتنر John Gartner – روانپزشک آمریکایی – و نیز بعضی از اعضای انجمن روانشناسی "شهروندان درمانگر برای دموکراسی" سرمقالاتی را نوشته و منتشر کرده اند.

گارتنر به خبرنگارانی که در برابرش نشسته بودند گفت: "ترامپ بیماری روحی خطرناکی دارد و از لحاظ شخصیتی، فاقد توانایی لازم برای ریاست جمهوری است." بدین ترتیب او از روی عمد، قانون گلد واتر Goldwater را نقض کرد؛ قانونی که در سال ۱۹۷۳ میلادی وضع شده و طی آن، شهروندان از بحث پیرامون سلامت روانی چهره های سرشناس و معاینه ی آنها از راه دور، منع شده اند. گارتنر نخستین کارشناسی نیست که بخواهد در این خصوص احساس مسئولیت کند، کما اینکه برخی همکارانش نیز در ایام مبارزات انتخاباتی، آشکارا نظرات منفی مشابهی را در مورد ترامپ اظهار کرده اند؛ او البته آخرینِ آنها هم نیست! پس از انتخابات ریاست جمهوریِ آمریکا، هزاران روانشناس، روان درمانگر و روانپزشک، به انجمن "شهروندان درمانگر برای دموکراسی" پیوستند. آنها پیام شان را طی بیانیه ای چنین اعلام کردند: "امروزه، آزادی مردم در ایالات متحده ی آمریکا، و حتی در سراسر دنیا، توسط خودشیفتگانی چون دونالد ترامپ مورد تهدید قرار گرفته است."

اما چه چیزی در ورای اصطلاح خودشیفتگی Narzissmus نهفته است؟ چه زمان خودشیفتگی در زمره ی خصوصیات فاسد شخصیتی به شمار می رود و کی می توان آن را مرضی ناشناخته دانست؟ و حتی اگر این بیماری، اختلالی قابل درمان باشد، آیا روانشناسان این حق را دارند که از راه دور، مبادرت به تشخیص آن کنند؟

تصوّرات باشکوه، توقّع تفکّر و فقدان همدلی

در راهنمای معتبر بین المللی برای تشخیص بیماریهای روانی – که به اختصار DSM-V نامیده می شود – به وضوح مشخص شده است که چه زمان رفتار طبیعی شخص متوقف، و اختلال روانی وی آغاز می شود. علیرغم اختلاف نظر کارشناسان علم روانشناسی در خصوص اینکه آیا براستی باید خودشیفتگی را در زمره ی بیماریهای روحی برشمرد، در "راهنمای تشخیص امراض روانی" یا DSM-V، مباحث مبسوطی پیرامون اختلال شخصیتی خودشیفتگی آورده شده است. به عنوان مثال، در آنجا مفصلاً به تصوّر خودبزرگ بینی، پرداخت بیش از حد به خود، وابستگی به تحسین دیگران و فقدان همدلی فرد با سایرین پرداخته شده است.

مطالعات کنونی نشان می دهد که افراد خودشیفته دوست دارند برجسته ترین باشند و در عین حال، به دل همگان نیز بنشینند؛ لذا آنها اغلب اشخاصی دوچهره اند. بدین ترتیب، شخص خودشیفته همواره محتاج تحسین دیگران است تا با اعتماد به نفسی بیشتر و روحیه ای مثبت تر، در مواجهه با دیگران به ظاهرسازی بپردازد؛ و چه بسا که در لحظه ی نخست، بسیار هم محبوب تر از سایرین به نظر برسد. با این وجود، رقابتها و چشم و هم چشمی های ناشی از خودشیفتگی، در درازمدت باعث اُفتی می شود که از محبوبیت شخص خودشیفته در نزد گروههای اجتماعی کاسته و متعاقب آن، درگیریها و کشمکشهای بیشتری را برای وی به ارمغان می آورد.

اگر چه در "راهنمای تشخیص امراض روانی" مطلبی در رابطه با نوع بدخیم خودشیفتگی وجود ندارد، با این حال اصطلاح "خودشیفتگی بدخیم" را می توان در دایره المعارف آموزشی دیگری تحت عنوان لغتنامه ی روانشناسی کمپل Campbell's Psychiatric Dictionary یافت. در کتاب مذکور، واژه ی "خودشیفتگی بدخیم" چنین تعریف شده است: "آمیزه ای از خودشیفتگی، اختلال شخصیتی ضدیّت با اجتماع، میل به تهاجم و سادیسم یا همان شهوت دگرآزاری." این تعریف، به طرز نگران کننده ای یادآور تمام آن چیزی است که در رفتار رئیس جدید کاخ سفید دیده می شود.

میتیا بَک Mitja Back – پژوهشگر خودشیفتگی در دانشگاه مونستر Münster – می گوید: "باید تأکید کرد که تفاوت بسیار قابل توجه ای وجود دارد، میان کسی که به صورت ذاتی خودشیفته است و کسی که واقعاً از لحاظ روحی به بیماری خودشیفتگی مبتلاست." با وجودی که معمولاً می توان از کنار علائم مشخصه ی افراطی گری در اختلال شخصیتی خودشیفتگی گذشت و آنها را نادیده گرفت، اما هیچ تضمین یا اجباری در این خصوص وجود ندارد. میتیا بَک در این رابطه می گوید: "تنها زمانی یک اختلال بالینی، مهم جلوه کرده و از آن سخن به میان می آید که شخص بیمار، با زندگی و خودشیفتگی اش کنار نمی آید و متعاقب آن، به دردهای روحی-روانی دچار می شود." در غیر این صورت، خودشیفتگی چیزی جز یک مشخصه ی شخصیتی – مثل اندازه ی قد – نیست؛ مشخصه ای که گاه به ضعف شخص منجر شده و زمانی نیز به طرزی چشمگیر موجب احساس قدرت در درون وی می شود؛ درست مانند دونالد ترامپ. ترامپ، مرد هفتاد و دو ساله ای است که توهینهایش را توئیت، مصاحبه هایش را تکذیب و وزیر دادگستری اش را به راحتی هر چه تمامتر، از کار برکنار می کند. او انتقادات را با اظهارنظراتی تهاجمی و پرخاشگرانه پاسخ می دهد و در عین حالی که با تمام توان از خودش تعریف و تمجید می کند، با اشتیاقی زایدالوصف از موفقیتهای گذشته و کامیابیهای احتمالی آینده اش هم حرف می زند. حالت چهره، زبان بدن، انتخاب کلمات و نحوه ی برخورد ترامپ با سایرین، شواهد و مدارک بی شماری هستند که برای توصیف خلق و خوی حقیقی وی کفایت می کنند.

"خودشیفته" بر اساس تعاریف موجود در دایره المعارف آموزشی روانشناسی

میتیا بَک می گوید: "تحلیل روانی مردم، آن هم از نزدیک، قبل از هر چیز منوط به آن است که آنها گفتگو با خود را بپذیرند و یا با تکمیل پرسشنامه های مربوطه موافقت کنند. مع هذا آنچه شخص پرسشگر دریافت می کند، هیچ گاه چیزی بیشتر از آنچه که پرسش شونده فاش می کند، نیست. چگونگی رفتار هر فرد، سرچشمه ی اطلاعاتی ناب از هویت روانی اوست." با این اوصاف، طبیعی است که الگوی قابل بحثی مانند رئیس جمهور ایالات متحده ی آمریکا، کمتر مورد رصدِ روانشناسان قرار گیرد. میتیا بَک معتقد است: "ترامپ، نمونه ی جامع و کاملی است از آنچه که در دایره المعارف آموزشی علم روانشناسی، از آن به خودشیفته یاد شده است."

انجام معاینه ای بالینی از راه دور و سپس اظهارنظر کارشناسانه در مورد چند و چون یک اختلال روانی، نه تنها قابل قبول و پذیرفتنی نیست، بلکه اصولاً امری ناممکن است. به ویژه اینکه ترامپ تا به امروز نشان داده که چقدر علاقه مند است تا شخصیتی مبهم و شبهه برانگیز داشته باشد. نویسندگان بیانیه ی مردمی "شهروند درمانگران مخالف ترامپی گری" Citizen Therapists Against Trumpism نیز با وجود اشراف کامل به مشکلات شخصیتی ترامپ، اغلب گزارشاتی خلاف واقع می دهند. آنها به صراحت تأکید می کنند که نه تنها نگران صفات ذاتی دونالد ترامپ نیستند، بلکه هیچ دغدغه ای نیز در خصوص شکل و محتوای سیاستهای او ندارند. بدتر از همه آن که نویسندگان این بیانیه، هرگز حتی هشداری هم در رابطه با شخصیت ترامپ و خطر ترویج ایدئولوژی ترامپی گری Trumpism نمی دهند. آنها در وب سایت شان می نویسند: "نیروهای اجتماعی که به ترامپ مشروعیت، اجازه ریاست جمهوری ایالات متحده ی آمریکا و به تبع آن، کسب قدرتی جهانی داده اند، بسیار بزرگتر از شخصیت ترامپ هستند." نویسندگان این بیانیه ی به اصطلاح مردمی، به جای اینکه بر تشخیص بیماری ترامپ تمرکز کنند و دریابند که مشکلات شخصیتی اش از کجا نشأت گرفته است، خود به سمت ایده های او متمایل شده و خواسته یا ناخواسته، به تفکرات و رفتار او – که عمدتاً تهدیدکننده ی آزادی و دموکراسی هستند – علاقه نشان می دهند؛ رفتاری همچون به انزوا راندن گروههای مختلف، تضعیف منتقدان، دهن کجی و تحقیر سایرین، حمایت از تفکر خودقدرتمندپنداری که عموم مردم را به خشم و هراس فرا می خواند، زمینه های لازم برای حصول به اهدافش را فراهم می کند و حتی او را از پذیرش اشتباهاتش نیز بازمی دارد، چه برسد که بخواهد به خاطر آنها، از مردمش عذرخواهی کند.

شخصیت "خودشیفته" را باید جدّی گرفت

میتیا بَک در ادامه ی مباحث روانشناختی اش پیرامون شخصیت دونالد ترامپ می گوید: "سؤالی که همواره در این مورد وجود دارد این است که آیا پذیرفتنی است که یک روانپزشک، ترامپ را از راه دور معاینه و ابتلاء وی به اختلال شخصیتی خودشیفتگی را گزارش کند؟ این سوال اگر چه همیشه مطرح است، اما نباید ابتکار عمل را به واسطه ی درگیر شدن با چنین پرسشی از دست داد. به گمان من، تفکیک این سؤال از آنچه که به صلاح جامعه ی ماست، بسیار قابل ستایش، قابل فهم و حتی ضروری است." صدور چنین بیانیه ای از سوی میتیا بَک و همکارانش موجب می شود تا امضاءکنندگان آن، خیلی راحت از پذیرش ایدئولوژی سیاسی ترامپ و دولت او سر باز زنند. اما در عین حال، مهم است که شخصیت خودشیفته ی ترامپ نیز جدی گرفته شود. نتیجه ی سالها مطالعه و پژوهش نشانِ داده است که اکثر قریب به اتفاق مدیران، شدیداً تمایل دارند که معتبر جلوه کرده و از سوی دیگران به رسمیت شناخته شوند. این اندازه گیری، بسیار تعیین کننده بوده و از همین رو است که دست و پنجه نرم کردن با موضوع خودشیفتگی سیاستمدارانی چون دونالد ترامپ، حائز اهمیت فراوان است.



میتیا بَک معتقد است که: "ترامپ به دو دلیل یکسان و مرتبط با هم، به رأی دهنده گانش خدمت رسانی می کند؛ او در ضمن اینکه جار می زند آمریکا قدرت از دست رفته اش را باز خواهد یافت، خلاءای که در ذهن بسیاری از مردم آمریکا وجود دارد را نیز به خوبی پر می کند. به نظر می رسد که میلیونها آمریکایی، این باورشان را با دیگران به اشتراک می گذارند که در حال حاضر، کشور و جامعه شان تضعیف شده است. آنها احساس تنزل می کنند و تصورشان بر این است که ترامپ، ارائه کننده ی شانس مجددی برای تغییر جامعه و مملکت آنهاست." درست همزمان با اینکه ترامپ از برگرداندن قدرت به آمریکا و شانس مجددی برای تغییر کشور سخن می راند، دیگران مجبور به پرداخت هزینه های لازم برای اجرایی کردن ایده های او هستند. به تعبیر دیگر، ترامپ با این کار، سوپاپ اطمینانی برای سرریز شدن انبوه احساسات هوادارانش، به آنها ارائه می کند. اما آنچه ترامپ به مردمش می بخشد، سراسر خوش بینی و امید نیست؛ نکته ای که موجب شده تا بَک ادامه دهد: "هر قدر که اعتماد به نفس ترامپ باعث امیدواری مردم آمریکا می شود، به همان اندازه پرخاشگریهای او نیز فراهم کننده ی موجبات نارضایتی و ناخشنودی آنهاست."

اطلاعات موجود از علائم مشخصه ی یک شخصیت، بهترین مجوز جهت اظهارنظر در مورد رفتارهای آتی اوست. بر اساس تجربیات مبتنی بر آنچه که تا کنون روی داده و همچنان نیز ادامه دارد، بسیار بعید به نظر می رسد که ترامپ تصمیمات سیاسی خود در آینده را بر پایه ی بصیرت و به مدد رایزنی و مشاوره اتخاذ کرده و یا عکس العمل محتاطانه ای نسبت به کشمکشهای آتی از خود بروز دهد. همچنین با توجه به تأکید روانشناسان، تغییر دیگری که در مورد ترامپ بسیار نامحتمل به نظر می سد، به رفتار او در مواجهه با منتقدان و انتقادات آنها مربوط می شود. بنابراین کماکان نباید انتظار داشت که مناسبات سیاسی دونالد ترامپ در آینده، بر مبنای اعتمادی درازمدت بنیان گذاشته شوند. نتیجه اینکه به احتمال فراوان، معاملات سیاسی کوتاه مدت وی، هرگز چیزی جز ساختارهایی تخیلی و شکننده نخواهند بود.

اگر چه بدیهی است کسی که در رأس هرم مدیریتی یک مملکت قرار دارد، نیازمند اعتماد به نفسی بالا است تا بتواند نقش رهبری اش را به خوبی ایفاء کند، اما نباید از این نکته غافل شد که موفقیت در این زمامداری نیز هرگز بدون همدلی، آمادگی مصالحه و توافق، و احترام به اطرافیان، مقدور نیست. کسی که کشوری را رهبری می کند، کسی که مدعی جایگاهی جهانی برای خود بوده و می خواهد از امنیت جایگاهش مطمئن باشد، باید به جای گریز از انتقاداتی که از او می شود، آنها را ریشه یابی کرده، و بپذیرد که هیچ کس – از جمله خود او – کامل نیست؛ و سپس از دریچه ی این تفکر، به اصلاح گفتار و رفتار خود بیاندیشد.

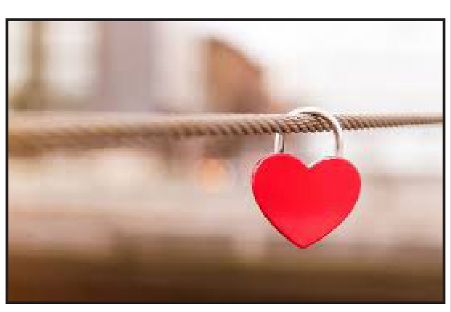
عشق و سیاست

بهارک اعظمی

عبارات نامتجانس گاهی به شدت تأمل برانگیزند. فضای ذهنت را انباشته از سؤال و ابهام می کنند و سپس تو را در یک سرگشتگی جذاب رها می کنند تا مسیر خودت را از میان انبوهی از مفاهیم پارادوکسیکال بیابی و به یک جواب قانع کننده برسی.

همیشه به ماهیت روابط عاشقانه از هر نوعی می اندیشم. عشق زن و مرد، مادر و فرزند، معلم و شاگرد، مرید و مراد، شهروندان و حاکمان و ... روابطی که غالبا پس از مدتی به خشم و نفرت و بی حرمتی و در نهایت جدایی می انجامد. در پیچ و خم واکاوی دلایل شکست روابط عاشقانه بودم که با کتاب "جستارهایی در باب عشق" نوشته آلن دوباتن آشنا شدم و پس از خواندن متن تحلیل گرانه آن قسمتی از پاسخهای خود را یافتم و در همان کتاب بود که عبارت "عشق و سیاست" برای اولین بار به شکل یک عبارت کاملا متجانس و پر معنا در ذهنم جلوه گر شد و دریافتم که گاهی سیاست و عشق دقیقا از یک جنس هستند.

سیاست آنجایی دقیقا شبیه عشق می شود که



سیاستمدار به ملتش می گوید من تو را بیش از خودت دوست دارم و منافعت را بهتر از تو تشخیص می دهم و اگر با من مخالفت کنی تو را می کشم چون این کشته شدن هم قطعا به نفع توست. عشق رمانتیک هم دقیقا همین کار را می کند. عاشق به معشوق می گوید من صلاحت را می خواهم و باید تحت کنترل من باشی تا عشقمان دوام بیابد، مادر به فرزند می گوید من خوشبختی تو را می خواهم، مرشد به مریدانش می گوید راه سعادت دنیا و آخرت همین است که من نشانتان می دهم و لاغیر، معلم به شاگردانش می گوید راه موفقیت همین است که من نشانتان می دهم و ... یک تحکم به ظاهر عاشقانه که فرسنگها از ماهیت عشق به دور است، یک نگاه عاقل اندر سفیه، یک رابطه یک سویه بدون رعایت شئونات انسانی ... ای کاش بتوانیم مفهوم عشق را نیز در فرهنگمان باز تعریف کنیم. ای کاش بتوانیم "تحکم‌عاشقانه" را از مفهوم عشق منها کنیم تا بتوانیم عشقهای رمانتیک بادوام تری داشته باشیم، روابط مادر فرزندی لذت بخش تری داشته باشیم، مردمان بریده از حاکمان کمتری داشته باشیم، دینداران از دین بریده کمتری داشته باشیم و ... ای کاش حاکمان بحث تحکم عاشقانه به ملتشان را کنار بگذارند و بر نوعی دولتمداری معقول تأکید کنند.

جان استوارت میل در اثری به نام "رساله در باب آزادی" می نویسد: حاکمان خود را موظف می دانند علاقه عمیقی نسبت به اصول جسمی و روحی هر یک از آحاد ملتشان ابراز کنند در حالی که دولت مدرن باید خود را عقب بکشد و اجازه بدهد که مردم خودشان بر خودشان حکومت کنند. معشوق هم در یک رابطه عاشقانه متضرعانه از عاشق خود می خواهد که فضای خود را برای اندیشیدن و انتخاب کردن و تصمیم گرفتن داشته باشد.

همه انسانها در عرصه حیات فردی و اجتماعی خود از کودکی تا بزرگسالی نیاز به عرصه وسیعی برای تفکر، انتخاب و عمل دارند، اگر چنین فضایی از انسانها گرفته شود، بی شک یک لجام گسیختگی بدون امکان برگشت در پی خواهد داشت. بیایید در همه عرصه ها یک فضای عاشقانه بدون تحکم عشق را تجربه کنیم.

هفته نامه
نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷ - ۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com
info@nasimjonoub.com

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۸۸۰ یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۷
NASIM JANOUB

معاون ورزش و جوانان بوشهر:

خانه‌های جوان در نقاط مختلف استان بوشهر راه‌اندازی می‌شود



معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان استان بوشهر گفت: خانه‌های جوان در نقاط مختلف استان بوشهر راه‌اندازی می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، حسین دهجان در نشست هم اندیشی با جوانان شهرستان دیر با اشاره به اهمیت توسعه فعالیت خانه‌های جوان اظهار داشت: فعال‌ترین خانه جوان استان بوشهر در شهرستان دیر فعال است. وی با بیان اینکه به زودی خانه جوان شهر آبدان از توابع شهرستان دیر راه اندازی خواهد شد، اظهار داشت: با توجه به مطالبات و احساس نیازی که به طراحی شیوه های نوین برای بیان مطالبات و دغدغه های جوانان وجود دارد خانه‌های جوان می‌تواند در این راستا نقش راهبردی ایفا کند.

معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان استان بوشهر افزود: باید تلاش کنیم تا زمینه حضور و مشارکت جوانان در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، ورزشی را فراهم کنیم.

وی بیان کرد: تجربه ثابت کرده نیروی جوان توانمند و نخبه، با نیروی مضاعف برای توسعه جامعه خود تلاش می کند و امید است که اعتماد به جوانان توانمند و مستعد به یک باور همگانی تبدیل و در جامعه نهادینه شود.

استفاده از ظرفیت سمن‌ها

معاون سیاسی اجتماعی فرمانداری شهرستان دیر نیز در این نشست گفت: وظیفه اصلی همه دستگاه های دولتی، خدمت رسانی صادقانه به مردم است و مردم انتظار دارند این خدمات با کیفیت و صادقانه ارائه شود. مسعود تنگستانی با بیان اینکه سازمان های مردم نهاد می‌توانند بهترین مکمل و همراه برای رشد و توسعه باشند، اظهار داشت: وجود سازمان های مردم نهاد در هر جامعه ای ضروری به نظر می رسد که در این راستا موانع موجود بر سر راه آنان را باید رفع نمود و مردم را بیشتر با کارکردهای آنان آشنا کرد. تنگستانی با بیان اینکه در حال حاضر ۱۷ سمن در سطح شهرستان دیر در زمینه های مختلف فعال هستند گفت: سمن‌ها با تکیه بر توانمندی‌های مردمی بازوان قدرتمند دولت در اجرای طرح ها به شمار می روند که به صورت خودجوش و داوطلبانه بدون هیچ چشم‌داشتی به کمک آمده اند.

در این مراسم عبدالخالق قاعدی به عنوان مشاور امور جوانان فرماندار شهرستان دیر منصوب و از خدمات چندین ساله محسن عمرانی تقدیر شد.

میزان عزت نفس در چه سنی به اوج خود می‌رسد؟

محققان دانشگاه "برن" دریافتند، میزان "عزت نفس" افراد به مرور زمان افزایش می‌یابد و در ۶۰ سالگی به اوج خود می‌رسد.

هر سنی چالش‌ها و مشکلات مختص خود را دارد. احساس نگرانی در نوجوانی، بحران‌های موجود در نیمه عمر یا احساس تنهایی در پیری از این جمله هستند. بر این اساس سنجش میزان "عزت نفس" در افراد مختلف امری دشوار است.

محققان به این نتیجه رسیده‌اند، میزان "عزت نفس" در افراد مختلف تغییر می‌یابد و به عوامل متعددی بستگی دارد. به عنوان مثال، عزت نفس با تغییر عواملی چون افزایش وزن، کاهش وزن و مسائل سلامتی تغییر می‌یابد. در دهه ۱۹۸۰ میلادی روان‌شناسان معتقد بودند که میزان "عزت نفس" در بزرگسالان تغییر نمی‌یابد و حدود ۴۰ سال است که این نظریه به حالت سؤال باقی مانده است.

عزت نفس اصطلاحی در روانشناسی است که بازتاب ارزیابی یا برآورد یک فرد از ارزش‌های خود است. محققان دانشگاه "برن" (Bern) در سوئیس دریافتند زمانی که افراد در ۶۰ سالگی خود هستند، بیشترین میزان عزت نفس را دارند



که پس از آن کاهش می‌یابد. روانشناسان معتقدند، عذاب وجدان، برون‌گرایی و تجربه افراد به مرور زمان افزایش می‌یابد که این عوامل با "عزت نفس" مرتبط است.

این محققان به این نتیجه رسیدند که عزت نفس تا ۶۰ سالگی افزایش می‌یابد، در برخی سنین ثابت باقی می‌ماند و از سن ۴ تا ۱۱ سالگی میزان عزت نفس افزایش چشمگیری دارد. در دهه ۲۰ زندگی افراد، این میزان به شدت بیشتری افزایش می‌یابد و این روند به طور ناگهانی در ۳۰ سالگی متوقف می‌شود تا اینکه در نهایت در ۶۰ سالگی به اوج خود می رسد.

این محققان همچنین دریافتند، انسان‌ها در ۶۰ سالگی، شادتر از همیشه زندگی می کنند که این روند تا ۷۰ سالگی ادامه دارد و در نهایت نیز در ۹۰ سالگی کمترین میزان "عزت نفس" را تجربه می کنند.

اهل مد هستم چون می‌خواهم متفاوت باشم

دکتر فردین علیخواه

امیل دورکیم؛ یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی معتقد است که تفاوت جوامع سنتی با جوامع مدرن را می‌توان در دو کلمه «تشابه» و «تفاوت» خلاصه کرد. در جوامع سنتی، آدم‌ها شبیه هم‌اند. یعنی غالباً مانند هم زندگی می‌کنند. ولی در جوامع مدرن تفاوت‌ها پررنگ می‌شود. دورکیم معتقد است که در جوامع سنتی، این جامعه است که در فرد حضور دارد؛ جمله‌ای که بیانگر فشار جامعه بر فرد برای همراهی با جمع است، ولی در جوامع مدرن، این فرد است که در جامعه حضور دارد که این امر بیانگر استقلال نسبی فرد نسبت به جامعه است.

مد در جوامع جدید یکی از آن پدیده‌هایی است که دیدگاه جامعه‌شناسانی نظیر دورکیم را به چالش می‌کشد. منظورم چیست؟ با همه‌گیر شدن تدریجی یک مد؛ به تدریج بسیاری از مردم شبیه هم می‌شوند. درست است که این شباهت دقیقاً همان شباهتی نیست که در جوامع سنتی وجود داشت. در اینجا فرد انتخاب می‌کند که از یک مد پیروی کند یا خیر ولی در جوامع سنتی انتخابی وجود نداشت. در واقع در اولی «اجبار» و در دومی «انتخاب» وجود دارد. ولی در هر صورت، با گسترش یک مد، متفاوت بودن که ویژگی یک جامعه مدرن است زیر سؤال می‌رود. البته برخی از جامعه شناسان معتقدند که اجبار فقط مخصوص جوامع سنتی نیست و در جامعه مدرن هم نوعی اجبار خفیف وجود دارد. چرا که وقتی یک مد فراگیر می‌شود فرد برای کسب «تأیید اجتماعی» مجبور می‌شود تا از آن مد دنباله‌روی کند چرا که در غیر این صورت ممکن است منزوی شود.



بسیاری از مردم به این دلیل اولیه سراغ مد می‌روند که می‌خواهند متفاوت به نظر برسند و برای خودشان هویت مستقلی داشته باشند. ولی آیا مد می‌تواند این خواسته را تأمین کند؟ روزی یک جامعه‌شناس در یکی از کلاس‌هایش تحقیق کوچکی انجام داد. از تک تک دانشجویانش که شلوار جین مدل «لوی ۵۰۱» پوشیده بودند پرسید "چرا این شلوار را پوشیده‌اید"؟ تقریباً ۲۵ نفر از ۳۰ نفرشان گفتند چون می‌خواهیم متفاوت باشیم. استاد در پایان رو به آنان کرد و گفت "تعجب می کنم که چطور ممکن است ۲۵ نفر از ۳۰ نفرتان یک مدل از یک شلوار را بپوشید و بعد تصور کنید که متفاوت هستید. آن ۵ نفر متفاوت‌اند یا شما ۲۵ نفر؟".

در سه سال گذشته ریش موسوم به داعشی در بین بسیاری از جوانان مد شد. بسیار پیش می‌آمد که با دیدن یک نفر در خیابان‌های شهرهای بزرگ که پیرو این مد بود تصور کنیم که همین چند ساعت قبل او را در جایی دیده‌ایم. مد قدرت یکسان‌سازی دارد. مد به ظهور هویت‌های مستقل مجال نمی‌دهد. برای همین هنرمندان که یکی از دغدغه‌های اصلی‌شان متفاوت بودن است همواره سعی می کنند به هیچ مدی پایبند نباشند و اتفاقاً خودشان پیشرو باشند و هدایتگر جریان مد شوند!

در دنیای امروز معمولاً این رسانه‌ها هستند که مد را می‌سازند. مدتی قبل خبرنگاری از من پرسید که "به نظر شما هم‌اکنون گرایش‌های فرهنگی مردم به کدام سمت است"؟ گفتم امکان دارد با هم به پشت‌بام برویم؟ تعجب کرد و گفت چرا؟ گفتم "باید جهت دیش‌های ماهواره را ببینم"! توضیح دادم که زمانی بیشتر دیش‌ها به سمت ترکیه بود. جامعه ایران ترکیه زده شد. آدم دچار شک می‌شد که ابراهیم تاتلیس ایرانی است یا ترکیه‌ای! مدها که جای خود داشت. بعد دیش‌ها به سمت اروپا یا همان هاتبرد چرخید. موهای بلوند مد شد و شهرت شکیرا از بسیاری از خوانندگان ایرانی پیشی گرفت. باز دیش‌ها به سمت عرب یا ماهواره عرب ست چرخید. جامعه ایران عرب زده شد! آرایش عربی یا خلیجی همه‌گیر شد و این بار نانسی عجرم از بسیاری از خوانندگان ایرانی پیشی گرفت. البته نباید کتمان کرد که دخالت نهادهای رسمی در موضوع مد و پوشش باعث شده است تا جامعه نتواند در کمال آرامش درباره انتخاب‌هایش تأمل و بررسی و بحث کند و جامعه مدام در موقعیت واکنش و مقاومت قرار می گیرد.

باید خوشحال بود که با رشد شبکه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام و امکان وسیع تبادل ایده‌ها، خلاقیت‌ها و عکس‌های مربوط به مد و لباس و در کنار آن کاهش استقبال از شبکه‌های ماهواره‌ای، در یکی دو سال گذشته گوناگونی و تنوع که ویژگی جامعه امروز است بیشتر شده است. این را باید به فال نیک گرفت.

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر بوشهر:

کودکان کار و متکدیان در سطح شهر بوشهر ساماندهی شوند

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر بوشهر با تاکید بر لزوم ساماندهی کودکان کار و متکدیان در سطح شهر بوشهر گفت: مرکز خدمات اجتماعی شهرداری بوشهر راه‌اندازی شود.

به گزارش خبرنگار مهر، طاهره شمشیری در نشست کمیسیون فرهنگی پیرامون ساماندهی کودکان کار و متکدیان در سطح شهر بوشهر اظهار داشت: در عمل به وظایف و اراده در حل این موضوع باید تلاش کرد تا ضمن حفظ حرمت افراد اجازه ندهند برخی افراد از این کودکان بهره کشی کنند.

وی ادامه داد: ساماندهی کودکان کار و خیابانی باید به نحوی صورت گیرد که این کودکان دگر بار به عنوان کودک کار به کار گماشته نشوند؛ یعنی هدف اصلی از جمع آوری کودکان باید ساماندهی دائم و جلوگیری از برگشت مجدد آنان به وضعیت



سابق باشد.

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر بوشهر تاکید کرد: به همین منظور شهرداری تصمیم بر راه‌اندازی خانه خدمات اجتماعی داشته که بخش فرهنگی این موضوع را نیز تحت پوشش قرار خواهد داد.

وی بیان کرد: درخواست دارم بخش خدمات شهری شهرداری، برنامه‌ها و تدابیر ویژه‌ای را برای مقابله با این آسیب اجتماعی در دستور کار قرار دهد و مرکز خدمات اجتماعی شهرداری در این زمینه راه اندازی کند.

شمشیری اضافه کرد: بی‌تردید، پیشگیری، بسیار آسان‌تر از درمان معضلات و آسیب‌های اجتماعی است و انتظار می‌رود دیگر ارگان‌ها و نهادهای اجتماعی نیز در این مسیر همکاری و همراهی بیشتری داشته باشند.

وی خاطرنشان کرد: همه دستگاه‌ها مطابق آیین نامه مربوطه و تقسیم وظایفی که در این مورد وجود دارد باید با جدیت با این موضوع برخورد کنند و اجازه ندهند چهره شهر بوشهر بد منظر شود.

تکنیک های گفتگو و صحبت با نوجوانان

زمانی که فرزندتان آمادگی دارد با او صحبت کنید. بزرگ‌ترین اشتباه را زمانی مرتکب می‌شوید که فرزندتان خود را برای رفتن به میهمانی دوستش آماده می‌کند و به او می گویید می‌خواهم با تو صحبت کنم. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. اگر زمانی که فرزندتان حوصله و وقت کافی دارد با او صحبت کنید، بهتر نتیجه می گیرید.



وقتی را فقط برای نوجوان اختصاص دهید. گاهی تنها، بدون حضور سایر اعضای خانواده با نوجوان به پارک، سینما، قهوه خانه سنتی، رستوران یا نمایشگاه نقاشی بروید.

در مورد رویدادهای روزانه و مسائل مختلف زندگی تان با نوجوان صحبت کنید. تا زمانی که احساس می‌کنید که نوجوان مشتاق شنیدن صحبت‌های شماست، موضوعات مختلف و رویدادهای زندگی‌تان را برای او مطرح کنید. فرزندان در نوجوانی کمتر از کودکی به والدین توجه دارند.

سؤالات باز بپرسید از پرسیدن سؤالاتی که جواب آن بله یا خیر است، خودداری کنید. به جای آن که بپرسید: امروز خوب بود؟ بپرسید: کلاس موسیقی چه طور بود؟

نظر نوجوان را بی‌ارزش و مسخره ندانید. شاید نوجوان حرفی بزند که به نظر ما احمقانه و کودکانه است. اگر این امر را مستقیما به او بگوییم، ناراحت می‌شود و کمتر صحبت می کند. در برخی موارد که نظر او را قبول ندارید، آن را مطرح نکنید، زیرا نوجوان در این مقطع به تأیید نیاز دارد.

https://t.me/joinchat

شایع‌ترین اختلالات روانی دانش‌آموزان

– دانش‌آموزانی که با ورود به دوره نوجوانی با تغییرات جسمی، شخصیتی، جنسی و عاطفی روبه رو می‌شوند؛ بنا بر اعلام روانشناسان اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و بیش‌فعالی شایع‌ترین نوع اختلالاتی است که در بین دانش آموزان به چشم می‌خورد، همین امر باعث شده تا بسیاری از روانشناسان حضور حداقل یک مشاور– روانشناس را در هر مدرسه‌ای، نیازی ضروری برای تمامی دانش‌آموزان بدانند.

– دکتر محمد حاتمی، عضو شورای مرکزی و معاون امور کمیسیون‌ها و نظارت حرفه‌ای سازمان نظام روان‌شناسی کشور افزود: طبق استانداردهای جهانی ۱۰ درصد از دانش‌آموزان کشور یعنی ۱.۵میلیون نفر به طور جدی نیاز به خدمات روان‌شناختی دارند و نیاز است تا نظام آموزش و پرورش برای این مسئله برنامه‌ریزی جدی‌تری داشته باشد. وی علت این نیاز را در این مسئله دانست که کودکان و نوجوانان از نظر شناختی، رفتاری و هیجانی در سن تحول قرار دارند.

– وی توضیح داد: با توجه به اینکه در سن تحول ممکن است دانش‌آموزان با مسائلی اعم از مشکلات خانوادگی، شرایط نامساعد تحصیلی و... روبه رو باشند اگر به موقع این مشکلات ارزیابی و بررسی نشود می‌تواند تبدیل به بیماری روانی مزمن شود که



فرد را در آینده برای درمان با مشکلات جدی روبه رو کند.

– معاون امور کمیسیون‌ها و نظارت حرفه‌ای سازمان نظام روان‌شناسی کشور با اشاره به اختلال بیش فعالی که کودک فعالیت بیش از حد دارد و تمرکز و توجه لازم را ندارند، درباره زمان تشخیص و درمان این مشکل توضیح داد و گفت: بیش فعالی، اختلال رایجی است که در کودکان و نوجوانان مشاهده می‌شود؛ ممکن است این مشکل در چهار سالگی وجود داشته باشد و با گذشت زمان مزمن‌تر شود و فرد را در دوران نوجوانی از نظر رفتاری و تحصیلی تحت تأثیر قرار دهد که در این زمان سازگاری فرد با محیط با مشکل مواجه خواهد شد/ بهداشت نیوز

نگرشی متفاوت

همه چیز بستگی به نگرش ما دارد می دانم گاهی حقیقت های تلخ را نمی شود تغییر داد اما خیلی چیزها را می شود با یک نگرش متفاوت و مثبت از اول درست بنا کرد.

دو فروشنده کفش برای فروش کفش‌های فروشگاهشان به جزیره‌ای اعزام شدند. فروشنده اول پس از ورود به جزیره با حیرت فهمید که هیچ‌کس کفش نمی‌پوشد. فوراً تلگرامی به دفتر فروشگاه در شیکاگو فرستاد و گفت: فردا برمی‌گردم. اینجا هیچ‌کس کفش نمی‌پوشد.

فروشنده دوم هم از دیدن همان واقعیت حیرت کرد. فوراً این تلگرام را به دفتر فروشگاه خود فرستاد: لطفا ۱۰۰۰ جفت کفش بفرستید. اینجا همه کفش لازم دارند. فرق بین مانع و فرصت چیست؟ نگرش ما نسبت به آن.

(اصول نگرش – جان سی مکسول)

تقویت خودشیفتگی بیمارگونه در کودکان

نگار فیض آبادی

«کی از همه خوشگل تره؟»
من، من، من
«کی از همه زرنگ تره؟»
من، من، من
«کی از همه عزیزتره؟»
من، من، من

– این سوال و جواب‌های ریتمیک و شاد، اولین بار در برنامه‌های تلویزیونی کودک و بعد هم در مهدکودک‌ها مد شد. عمو پورنگ و خاله شادونه می‌پرسیدند و بچه‌ها هم با یک شوق وصف‌ناپذیر،



فریاد می‌زدند: «من»!

– واقعا چه کسی گفته کودک شما از همه بهتر، باهوش‌تر و زیباتر است؟ اصلا آیا نیازی به این مقایسه هست؟

– متأسفانه مفهوم عزت نفس و خودشیفتگی، برای خیلی‌ها جا نیفتاده. عزت نفس، یعنی احساس ارزشمندی. اما خودشیفتگی همراه با احساس خودبزرگ بینی و تمایل شدید به استحقاق و... است. خودشیفته‌ها معمولاً عزت نفس بالایی ندارند.

– تلقین صفات بهترین‌ها به بچه‌ها، الزاماً آنها را با احساس ارزشمندی بیشتر، بار نمی‌آورد، بلکه می‌تواند خودشیفتگی بیمارگونه را در کودکان، تقویت کند.

– لازم نیست بین بچه‌های خودتان و دیگران، یک مرز پررنگ بکشید. طوری که انگار، درز آسمان باز شده و فقط کودک شما روی زمین آمده. رویای «بچه من یه طرف، بچه مردم، یه طرف دیگه»، می‌تواند پیامدهای منفی زیادی داشته باشد.

– در پس آن شادی‌ها که «تو از همه بهتری»، یک غم بزرگ، نهفته است. ممکن است کودکان، به غلط فکر کنند مستحق تمام خوبی‌ها و امتیازهایی هستند که حق دیگران است. بعد آنها می‌مانند و طلبکاری ناتمام‌شان از زمین و زمان.

– برای اینکه حال کودک‌تان خوب باشد، لازم است فعالانه به او گوش کنید، نیازهایش را به موقع و به اندازه برطرف کنید، در دسترس، پذیرنده و پاسخگو باشید.

دلیل اضطراب و استرس بالای زنان در مقایسه با مردان

پژوهشگران آمریکایی در بررسی جدیدی ادعا کردند که رژیم‌های غذایی بر زنان، بیش از مردان تأثیر می گذارند.

پژوهش جدیدی که با همکاری "دانشگاه بینگهمتون" (Binghamton University) و "دانشگاه ایالتی نیویورک" (SUNY) صورت گرفته، نشان می‌دهد که تأثیر رژیم غذایی بر سلامت عاطفی زنان، بیش از مردان است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که تفاوت‌های آناتومی و عملکردی مغز زنان و مردان، نقش مهمی در آمادگی مغز برای پذیرش بیماری روانی دارد اما در مورد نقش الگوهای رژیمی در سلامت روانی مبتنی بر جنسیت، اطلاعات کمی موجود است.

این گروه پژوهشی به سرپرستی "لینا بگداچ" (Lina Begdache)، استادیار دانشگاه بینگهمتون، ۵۶۳ شرکت‌کننده (۴۸ درصد مرد و ۵۲ درصد زن) را از طریق رسانه اجتماعی مورد بررسی قرار دادند. بگداچ و گروهش دریافتند مردان تا زمانی که با کمبود مواد مغذی مواجه نشده‌اند، سلامت روانی خوبی دارند اما اگر زنان، از یک رژیم غذایی متعادل و سبک زندگی سالم پیروی نکنند، کمتر از سلامت روانی بهره‌مند می‌شوند.

بگاچ گفت: ممکن است این نتایج بتوانند به توضیح گزارش‌های مطالعات پیشین کمک کنند. بررسی‌های گذشته حاکی از این هستند که زنان در مقایسه با مردان، بیشتر در معرض خطر ابتلا به پریشانی روحی قرار دارند و به همین دلیل، تمرکز این پژوهش‌ها، بر نقش رژیم غذایی بر سلامت روحی است.

وی افزود: زنان در مقایسه با مردان برای حفظ سلامت روحی، به مواد مغذی بیشتری نیاز دارند. نتایج این پژوهش می‌توانند دلیل اضطراب و استرس بالای زنان را در مقایسه با مردان نشان دهند. رژیم‌های غذایی کنونی با وجود داشتن انرژی بالا، فاقد مواد مغذی ضروری هستند.

بگاچ ادامه داد: زنان و مردان، مسئولیت‌های فیزیکی و روانی متفاوتی دارند و به همین دلیل، نیازهای انرژی و غذایی متفاوتی می‌طلبند. شاید تفاوت غذایی و انرژی مبتنی بر جنسیت بتواند دلیل تفاوت حجم و اتصالات مغز زنان و مردان را توضیح دهد/ ایسنا



مسافر فوتبال (٦)

خدایا خودت کمک بچه های بوشهر کن

خاطرات محمود ابراهیم زاده ملی پوش فوتبال بوشهر



ساعت ۱۰صبح سوار موتور شدیم و رفتیم دم باشگاه شاهین (تابان)؛ که روبرو ساندویچ فروشی مسلم گلعین که طرفدار دو آتیشه شاهین بود، در چوبی و خیلی بزرگ باشگاه که مثل در قلعه بود، با لنگر بزرگ فلزی و دوتا قفل بزرگ آهنی بسته بود و هنوز کسی نیومده بود باشگاه.

مسلم گلعین هم که داشت حلبی های پر از خیارشور که روشون نوشته بود خیارشور اعلای شمشاد، که براش آورده بودند یکی یکی هی ور می داشت و می برد تو مغازه اش، وقتی چشمش به ما افتاد، با صدای بلند داد زد شیرُم شاهین! هی برویی!، حرف نداری!،

و ادامه داد فکر نَکنم امروز کسی بیاد باشگاه همه مست دیشوون، الان همه جمع میشن دم دکون کریم گوریک، برین اونجا، حسین هم موتورش روشن کرد و منم سوار شدم و رفتیم به طرف خیابون ششم بهمن، همون جایی که همه بازیکنان جمع میشدن، پاتوق شاهینی ها بود مغازه کریم گوریک و رحمان رهجو و رضا جباری و حسین قناد که همه از شاهینی های اصیل و با سابقه بودن، من رفتم تو مغازه کریم گوریک، دیدم نشسته پشت میزش و چند تا اسکناس دلار امریکایی که تو دستش بود داشت میذاشت زیر شیشه بزرگی که سرتاسر میزش پوشانده بود، انواع اسکناس‌های کشورهای خارجی زیر اون شیشه رو میزش چیده شده بود!

سلام کردم، از زیر عینکش یه نگاه به من انداخت، گفت بهههههههبه آقا محمود!

عشقت می خوروم؛ دیشو شوت زدی بمبولِشون تِرکُندیا! خیلیییییی کیییییییف کردم! خُ حالا بوگو چه میخِی؟

گفتم هیچی، و به در و دیوار مغازه خیره شدم که سرتاسر پوشیده شده بود از عکسای بازیکنان شاهین، یهو با سرش اشاره کرد به طرف خیابون و گفت اونا جواد گرانبها اومدش. آقاجواد از موتور کاوازاکی نویی که از امیر قطر کادو گرفته بود پیاده شد و اومد توی مغازه و با من دستی داد و خوشحال از بازی دیشب زد پشت شونه ام و گفت عجب بموقع اومدی دیروز! آفرین !

و شروع کردیم در مورد رضایتنامه حرف زدن، خیلی طولی نکشید که آقا جواد گفت بیا الان با هم بریم پیش شیرزاد رییسی که سرپرست باشگاه هست، که برات رضایتنامه را بنویسه!

موتورش روشن کرد و منم پشت موتور سوار شدم و رفتیم به طرف هنرستان صنعتی حاج جاسم بوشهری، جایی که آقای رییسی مدیر بود.

و همین که متوجه شد که ما اومدیم تو هنرستان خودش اومد بطرفمون و با خوشرویی دست داد و شروع کرد تعریف و تمجید از بازی دیروز، و بعد از سلام و احوالپرسی ما را برد تو دفتر کارش، آقا جواد جریان رضایتنامه را عنوان کرد و او هم سریع یه کاغذ سفید از تو کشو میزش درآورد و گذاشت زیر چرخک ماشین تایپ و همینجور حرف به حرف با انگشتای کلفتش می کوبید رو سر دکمه های ماشین و تایپ می کرد، و هر از گاهی هم سرشو می آورد بالا و با آقا جواد حرف میزد. بالاخره کار تایپ تموم شد و بعد از اینکه به دقت متن رضایتنامه رو بررسی کرد؛ امضا کرد و از تو کشوی میزش استامپ و مهر باشگاه را درآورد و زد رو امضاش و داد به آقا جواد.

رضایتنامه رو گرفتیم و تند برگشتیم سر پاتوقمون، بچه های شاهین اکثرا اونجا بودند و همه خوشحال از بازی دیروز، دیگه از ظهر گذشته بود و موقع نهار رسیده بود، آقا جواد که سرمست از بازی دیروز بود با صدای بلند گفت همتون امروز نهار دعوت من، بریم رستوران پاسیار نون و کباب، هر کی میاد یاالله!

۶-۷ نفر بودیم؛ احمد تورانی و جواد جلوتر و بقیه هم پشت سرشون راه افتادیم، از کنار بانک صادرات داشتیم می گذشتیم که یکی از بچه ها بلند با حالت تمسخر داد زد سورکی ی ی ی!

منظورش این بود که باخت دیروز بیادش بیاره، سورکی که دم مغازه روزنامه فروشی یونس اشکو و خانم نسا که قسمت شرقی خیابان شیشم بهمن، کنار فروشگاه کفش ملی و پاتوق بچه های ایرانجوان وایساده و گرم صحبت کردن با آقا یونس بود، (اینم بگم که سورکی حکم ممد بوقی ایرانجوانی ها رو داشت) همین که صدا رو شنید سرشو چرخوند بطرف ما و جواب داد، مگه یادتون رفته بازی سه تا به یکی (۳-۱) که ایرانجوان انداخت تو کنج گلتون؟!

یه هوادار شاهین که از کنار ما داشت رد می‌شد رو کرد به طرف سورکی و صداش کرد سورکی؛ سه تابه یکی! و سریع دوید و رفت تو کوچه پشت بانک صادرات. ما هم به راهمون ادامه دادیم و رفتیم و رسیدیم سر ایستگاه تاکسی که روبروی رستوران پاسیار بود. سر کوچه هم کیوسک سیگار فروشی علی سیگاری هوادار شاهین بود، که سرتاسر جلو کیوسکش روزنامه های مختلف روی یه رشته نخ آویزون بودن و با وزش باد می رقصیدن.

علی سیگاری بازیکنان رو که دید با خوشحالی و با صدای بلند گفت باغت آباد شاهین! شادمون کردین، جواد و احمد جلوتر از ما رفتن تو رستوران و با آقای پاسیار صحبت کردن و ته رستوران چنتا از صندلی های فلزی رو جابجا کردن و ما هم رفتیم داخل رستوران، بوی نون گرم و کباب و ریحون و نعناع تازه و لیمو ترش تو هوا پیچیده بود و مشتریها رو گرسنه تر می کرد! همه نشستیم سر میز و منتظر آقای پاسیار که کباب بیاره...

نزدیکای ساعت ۴ بعدازظهر شده بود، حسین حمزه ئیان با موتورش اومد در خونمون و با هم رفتیم دفتر ایران پیما، شاغلام هم به موقع رسید و با هم رفتیم پیش دفتردار شرکت آقای ابراهیمی و منو به او معرفی کرد و بهش گفت که محمود می خواد بره تهرون و بلیط می خواد، آقای ابراهیمی از من پرسید کی مسافری؟

گفتم فردا! فوراً دفتری که لیست مسافرا توش نوشته بود از زیر طبقه اول کانترش بیرون کشید و گذاشت رو کانتر و لای دفتر را باز کرد و مداد زرشکی رنگی که لای دفترش بود برداشت و همینطور که لای انگشتاش گرفته بود و تکونش می داد، یکی دو تا ورق زد و رسید به صفحه لیست مسافرای فردا، در برگ‌های دفتر تمام صندلی های اتوبوس با مستطیل های کوچکی بصورت ردیف به ردیف مشخص شده بود، و اسامی مسافران هم توی هر چارگوش نوشته شده بود، با ته مدادش از بالای لیست شروع کرد و ردیف به ردیف چک کرد و رفت تا پایین لیست رسید، یه نفس تازه کرد و گفت خب! و یه پاک کن کهنه دورنگ که نصفش آبی و نصفش زرشکی بود از سمت چپ کانتر برداشت و دو تا اسم که تو چارگوشه ردیف پشت سر راننده نوشته شده بود رو پاک کرد و اسم منو به جاشون نوشت، و اسم اون دوتا مسافر را جابجا کرد، گفت بفرما شاغلام اینم بخاطر شما و آقا محمود، خواستم پول بلیط را بپردازم، ولی قبول نمی کرد و مرتب می گفت اختیار داری، قابل نداره و از من پول نگرفت، و گفت اونو بذار تو جیبت فردا تو تهرون لازمت میشه و ازمون خواست فردا نیم ساعت زودتر گاراژ باشیم که منو به راننده اتوبوس معرفی کنه که حواسش به من باشه.

بلیط را ازش گرفتیم و از دفتر ایران پیما رفتیم بیرون، و طبق معمول رفتیم به طرف خیابون ششم بهمن سر پاتوقمون. سر فلکه و میدون مرکزی شهر که رسیدیم موتور را بغل کیوسک شیشه ای علی سیگاری پارک کردیم و از علی آقا خواستیم که حواسش به موتور باشه، و پیاده میدون را دور زدیم و داشتیم از بغل مغازه درخشانیان که سر نبش میدون و خیابونی که می رفت به طرف گمرک، رد می شدیم که دلو درویشی (طیب بوشهر) را دیدیم، خیلی ژیگول و شیک با قد بلندش دم اون مغازه وایساده بود و با آقای درخشانیان و بن شمس که دو نفر از ایرانجوانی های ناب و دو آتیشه و از معتمدان خوب بوشهری بودند خوش و بش می کرد، رفتیم جلو و سلام کردیم و باهاشون دست دادیم؛ دلو با تکیه کلام مخصوصش می گفت، مردی، مردی! مرد! آفران (آفرین)! کی میری تهرون؟

گفتم فردا، باز گفت آفران؛ مردی! بعد رو کرد به آقایان درخشانیان و بن شمس و گفت میشناسینش؟ یکشون به حالت سؤالی، گفت بچه خلیلن؟ دلو جوابش داد بهه‌له، خیلی مَردِن، باباشم مردن، ننه اش هم مردن، همه خانواده‌شون مردن، حیف که شاهینین، اونا هم از حرف زدن دلو زدن زیر خنده!

بعد از چند دقیقه صحبت؛ دلو با دست به مغازه آجیل فروشی حاج کریم (برادرش) اشاره کرد و گفت باهاش خداحافظی کردی؟ گفتم نه هنوز! فوراً دستم گرفت و منو برد پیش حاج کریم و معرفی کرد و گفت محمود ابراهیم زاده، فردا داره میرِه تهرون که همونجا فوتبال بازی کنه، حاجی هم فوراً یه جعبه سفید که روش نوشته بود آجیل و خشکبار مرغوب برداشت و با سرتاس (قاشق بزرگ و مخصوص آجیل فروشی) از تو زنبیل تخمه، بادام، نخودچی، کشمش، مغز پسته و هر چی دم دستش بود ریخت تو جعبه و درشو بست و با یه تیکه چسب باریک بیرنگ درش بست که باز نشه و نریزه و داد به من و گفت آقا محمود سر راهی؛ قابل شما نداره، تو این راه طولانی تا تهرون تو اتوبوس مشغول باشی، و منو بغل کرد؛ با حاج کریم خداحافظی کردم و از مغازه اش اومدم بیرون، روبروی آجیل فروشی حاج کریم، تو پیاده رو خیابون روبرو؛ مغازه قنادی حاج فتحعلی رهنورد بود، و با توجه به فرهنگ بوشهر سلام و خداحافظی بخشی از احترام و ادب و بزرگی محسوب می‌شد و ایجاب می کرد که من با مردم سلام و احوالپرسی کنم و از روبرو قنادی که داشتیم رد می شدیم فوراً حاجی از تو مغازه اش صدام کرد، بفرما آقا محمود بیا داخل کارت دارم، رفتم داخل؛ یه قوطی فلزی استوانه ای شکل که مخصوص مسقطی مغز پسته ای بود گذاشت تو یه پاکت کاغذی قهوه ای رنگ و داد به من، و گفت محمود آقا، برگ سبزی ست تحفه درویش قابل شما نداره، با خودت ببر تهرون اونجا مرتب از این بخور تا زانوت قوت بگیره و تو زمین مثه شیر بدووی، و پرسید: کی خدا بخواد داری میری؟ گفتم فردا، سرش به بالا گرفت و دو تا دستاش برد بالا و گفت به سلامتی، خدایا خودت کمک بچه شهر ما کن، و از پشت ویترین مغازه اومد بیرون و منو بغل کرد و برام آرزوی موفقیت کرد، از اونجا هم رفتیم.

سر شب بود همه مردم اون ساعت از روز چون هوا از گرمی افتاده بود می اومدن مرکز شهر؛ هم تفریح بود و هم خریدی می کردند بقول بوشهریا هم حج بود و هم حاجات! چون شهر کوچیک بود اکثر مردم همدیگه رو می شناختن و بازار چاق سلامتی گرم گرم بود، کمی بالاتر و اول خیابون ششم بهمن فروشگاه کفش ملی و دکه کوچیک یونس اشکو و خیرالنسا همسرش بود که فقط روزنامه می فروختن و محل فروش مجله های کیهان ورزشی و دنیای ورزش بود، و چون یونس ایرانجوانی بود همه بازیکنان ایرانجوان پاتوقشون اونجا بود، و بازیکنان شاهین و ایرانجوان روزانه همدیگر را می دیدند و این باعث شده بود که با وجود تعصب باشگاهی در زمین فوتبال، بیرون از زمین با هم خیلی دوست و رفیق باشند، تا رسیدیم اونجا تینو (حسین حیدری) و شنگلو (حسین وزانی) از بازیکنان خوب ایرانجوان اونجا بودند و کمی وایسادیم و کلی هم خوش و بش کردیم و از حوادث بازی قبلیمون حرف زدیم و خندیدیم، اونطرف خیابان چند قدمی بالاتر فروشگاه نوار کاست و ضبط صوت و موزیک چارلی بود، صدای بلند موزیک خارجی مغازه چارلی گوش آسمون کر می کرد و سه تا چراغ سبز و سرخ و زرد چشمک زن هم به بلندگوهای مغازه وصل کرده بود و با آهنگ شاد گروه بونی ام (BONY M) گروه سیاه پوستای امریکایی و اون آهنگ تازه مشهور شده شون یه حال و هوایی به اون خیابون داده بود. اصغر چارلی هم با پیرهن یقه باز و کاپشن چرم مشکیش دم مغازه وایساده بود.

من و حسین حمزه ئیان می خواستیم خداحافظی کنیم و بریم دم پاتوق بچه های شاهین، که شنگلو گفت من نمیام! باید برم جایی، کار دارم، تینو با خنده بهش گفت، از شاهینیا زهلت می ره (می ترسی)؟ ما هم از لحن تینو خنده مون گرفته بود.

راه افتادیم طرف پاتوق، از اینجا به بعد دیگه کمتر حرف می زدیم چون که هر مغازه داری یا شاهینی بود و یا ایرانجوانی، و مرتب با من و تینو سلام و احوالپرسی می کردند و براشون جالب بود که ما دوتا رقیب سرسخت باشگاهی، که هر کدام از ما دو نفر وظیفه مون توی زمین بازی گل زدن به تیم همدیگه بود، بیرون از زمین بازی اینقدر با هم دوست بودیم.

یواش یواش رسیدیم به پاتوق شاهینی ها، هر کدام از بچه ها با هر دوی ما خیلی ایاق و دوست بودند انگار نه انگار که این جماعت تو زمین فوتبال رقیب سرسخت هم هستند، نیم ساعتی وایسادیم و خوش و بش کردیم. سرگرم حرف زدن بودیم که سلمان (کورو) که نابینا بود با عصا مخصوصش که قهوه ای رنگ بود و نوک تیزش هم با یه کلاهک نقره ای رنگ فلزی پوشانده بود، داشت می آمد به طرف ما و مرتب با سکه ای که در دست داشت هی میزد به سگک فلزی کمربندش که مردم را متوجه کنه که او نابیناست و به کسی نخوره!

تینو گفت محمود از سر راهش بیا کنار تا سلمان رد بشه، سلمان متوجه شد و صدای تینو را شناخت و گفت آقا حسین حالا دیگه ما نمی بینیم؟ باشه، و تازه من فکر می کردم محمود ابراهیم زاده الان تهرون و پرسپولیسِن، همه از هوشیاری سلمان زدیم زیر خنده، خودش هی سرش بنا به عادتش مثل یه عروسک کوکی به طرفین تکون می‌داد و با لبخندی که بر لباش داشت، می گفت بله آقا تینو سلمان خوب می بینه، چه فکر کردی؟ و ها ها زد زیر خنده که چیلش تا بنا گوش باز شد.

حسین قناد یه بلوز مانتیگل سرمه ای آستین بلند به تن داشت و آستیناش را تا آرنجش بالا کشیده بود، با یه جعبه باقلوا اومد پیش ما و اول تعارف تینو کرد گفت بفرما آقای حیدری، هر کدام یه دونه باقلوا برداشتیم و خوردیم.

حسین آقا از من پرسید آقا محمود کی مسافری؟ گفتم فردا اینشالله، اونم آرزوی موفقیت کرد و رفت تو مغازه اش.

تینو که بهترین دوست من و مثل برادرم بود اومد طرفم و همدیگه رو بغل کردیم؛ با آرزوی موفقیت برای همدیگه و خداحافظی کردیم. حرف آخر تینو این بود که محمود می خوامتا هر بازی یه گل بخاطر من میزنی، که همه بچه ها خوشحال بشن، راه افتاد از همون کوچه ی بغل مغازه کریم گوریک که سر نبش عکاسی کاخ بود رفت به طرف خونه شون، رحمان رهجو هم که دوستم بود و همیشه وسایل خارجی مورد نیازمو از کویت برام می آورد درب کرکره ای مغازه ش رو پایین کشید و اومد از من خواست که این آخرین روزی که بوشهر هستم برم خونه شون و نهار با اون باشم. گفت خانومم امروز قلیه ماهی پخته، باید بیایی و بزنی تو رگ، حسین حمزه عذرخواهی کرد و گفت کار داره باید بره، گفت بعد از نهار میاد که با هم بریم کمی وسیله برای رفتنم بخریم، اون رفت و من و رحمان هم رفتیم خونه شون، رحمان تک تک فلزی (حلقه) درب ورودی خونه شون زد و یه لنگه از درها رو هل داد و باز کرد و با یا الله خانمش را متوجه کرد که مهمون داریم.

رحمان پسر چهار ساله ی خیلی تپلی داشت با لپ های برجسته و موهای فرفری مشکی که با رنگ چشماش هماهنگی قشنگی داشت؛ اسمش عادل بود. مامان عادل تند سفره رو چید و قلیه ماهی و دیس بزرگ پر از ماهی سنگسر آورد گذاشت سر سفره و سبزی خوردن و پارچ آب یخ و یه بشقاب رنگینک که مغز گردو وسط خرماهاش گذاشته بود و با چند خط شکر و دارچین هم رو سطح بالاش نقاشی کرده بود با یه دیس پلو سفید که بخار گرم ازش بلند می شد گذاشت تو سفره، و تعارف کرد آقا محمود بفرما، شروع کردیم خوردن اما بسکه فلفل هندی زده بود به قلیه عجیب تند و تیز بود!

ادامه دارد...

دیدار با آقا معلم فوتبال بوشهر

رضا سیاوشی

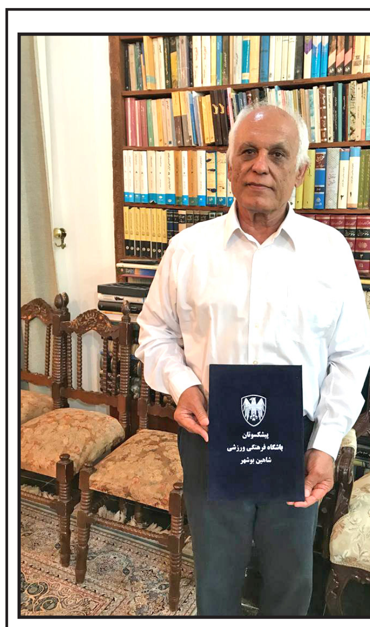
و این بار به سراغ دیگر موی سپید باشگاه شاهین و از قدیمی های فوتبال بوشهر رفتیم که خود می گفت باقی مانده نسل ما: ابراهیم مرشدی، جلال غریب زاده، حسن میرشکار، عبدالمحمد وفایی، رضا ماهینی، محمدرضا حمزه بیان و احمد رزمی هستند.

"محمدرضا محمدی" یا همان آقا معلم ورزش بسیاری از ما بوشهری ها و دروازه بان پیشکسوت تیم مردمی "شاهین بوشهر" میزبان گرم و صمیمی پیشکسوتان شاهین بود.

شروع رسمی فوتبالش در سال ۱۳۴۲ پایان آن دوران پرخاطره و ماندگار هم سال ۱۳۵۳ رقم می خورد و پس از آن لباس داوری می پوشد و اولین داوری در جام "ولیعهد" در اصفهان و با مهرجویی و مصلح بعنوان کمک ها قضاوت می کند. سابقه سوت زدن در بازی های تخت جمشید و لیگ قدس هم در کارنامه ورزشی خود دارد و بعد از آن هم از طرف فدراسیون به عنوان ناظر معرفی می شود که دیگر بطور کلی از فوتبال خداحافظی نمود آقا معلم فوتبال تعریف می کرد:

روزی در محله خواجه ها با بچه ها مشغول بازی بودیم که یک موتورسیکلتی ایستاد و دو نفر سوار آن بودند، شخص موتورسوار صدایم زد و با لهجه خودمونی گفت:





"بچه بدو بیا اینجا بینُم"، من که رفتم نزدیکشون بهم گفت: "چرا اینجا تمرین میکنی و نمیای تیم "خلیج" (نام اول تیم شاهین)". من هم گفتم تا برم خونه از بابام اجازه بگیرم و بعد خبرتان میدم! بعد فهمیدم که زنده یاد "عبدالمحمد زنگویی" هست و پشت سر او هم "زنده یاد جواد گرانبها" بود. (روحشان شاد و یادشان گرامی)

محل زمین تمرین آنها اول در محوطه منازل سازمانی گمرک بهمنی بوده که بعد به زمین "پشت گردان" (نیروی دریایی) و بعد هم در زمین اُخوت (استخر فعلی کوثر) بود و در تمرین ها، متاهل ها و مجردها را از هم جدا می کردند و مسابقه تمرینی برگزار می کردند!

از دروازه بانانی زُبده و جسوری مثل غلام پورچنگی، رسول گرد و زنده یاد "اسماعیل برزگر" یاد کرد و "نادر مصری" را ستایش می کرد و می گفت که حق بزرگی در گردن من دارد و از "آقای سقفی" رییس سپاه دانش آن زمان گفت که علاقه زیادی به "شاهین" داشت و حتی چند سال پیش وقتی آمد بوشهر، گفت: "من را ببرید باشگاه می خواهم بوسه بر زمین آن بزنم".

خاطرات شیرین و شنیدنی زیاد از خود و همبازی هایش تعریف کردند و شبی خوش و ماندگار به ثبت رساندند و در آخر هم به پاس سال ها خدمت صادقانه به ورزش و بخصوص فوتبال، لوح تقدیری از طرف کانون پیشکسوتان شاهین توسط "حسن میرشکاری" به وی تقدیم گردید.

جا دارد که مراتب سپاس خود را از خانواده محترم "آقای محمدی" که در پذیرایی و میزبانی سنگ تمام گذاشتند، بعمل آوریم و با امید به اینکه همیشه حرمت این عزیزان را پاس داریم و از تجربیات گرانبها و مفید آنان استفاده نماییم و بدانیم که جایگاه و عزت پیشکسوتان رفیع است.

سرپرستی "ساحل" در فوتبال "ساحلی"



نامش "ساحل" است و به گفته خودش پدرش (محمد غریب زاده) در محله بهبهانی تیمی تشکیل داده بوده که نام ساحل برایش انتخاب کرده بوده و بعد هم، همان نام برای وی برمی گزینند.

"ساحل غریب زاده" از آن دسته افراد دلسوز و علاقمند به ورزش و به خصوص فوتبال می باشد که در کنار تیم های چمنی، سالنی و ساحلی دریانوردان در رده مختلف فعالیت داشته و خودش می گوید: "افتخارم این است که شاگرد "عباس طبیب نژاد" هستم و از خدمات شایان او و برادرش "حسین" برای فوتبال بوشهر و به خصوص محله باصفای "صلح آباد" و باشگاه دریانوردان گپ می زند و آنان را زحمتکشان واقعی در ورزش می داند".

کلاس مدرسه فوتبال را زیر نظر استاد "گشویی" گذرانده و با زنده یاد "جلیل مسعودی" در تیم های زیر ۸، ۹ و ۱۱ سال فعالیت داشته و مربیگری را از سال ۱۳۷۵ با تیم های جوانان و بزرگسالان قدس و زیر نظر "عباس طبیب نژاد" آغاز کرده و در سال ۱۳۸۰ هم با شرکت در کلاس های مربیگری مدرک خود را دریافت می کند. در تیم های نوجوانان، جوانان و امید قدس هم روی نیمکت بوده و در ساوه و با تیم امید سالنی دریانوردان به مربیگری "فاضل کبگانیان" که خیلی هم ارادت به او دارد، عنوان قهرمانی کسب می کنند.

پس از جدایی برادران طبیب نژاد از پارس جنوبی و در اردیبهشت ۹۶ که دوباره آنها تیم داری در فوتبال ساحلی را به عهده می گیرند با دعوت چند بازیکن در دلوار شروع به کار می کنند و "غریب زاده" هم به عنوان سرپرست تیم معرفی می گردد که بعد از آن هم تیم به بوشهر می آورند و نتیجه دو سال کار پرتلاش و با برنامه آنان صعود به لیگ برتر ساحلی می شود.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



نیشستون

درباره ۱۵۰۰ کلمه

اسماعیل منصورنژاد



مدیرکل مرکز زنان و خانواده وزارت آموزش و پرورش: اعضای هر خانواده باید در روز ۱۵۰۰ کلمه با یکدیگر صحبت کنند.

به روی چشم، ۱۵۰۰ تا که هیچ، الان به اندازه ۱۵هزار تن با هم صحبت می‌کنیم.

ولی بدختی اینجاست خانواده ایرانی روزانه ۱۰ تا کلام هم نباید درباره هیچ موضوعی با هم حرف بزنند که کار بیخ پیدا بکند. اگر درباره تفریح حرف بزنند، نهایتاً می‌رسند به جایی که می‌فهمند پول ندارند بروند تفریح. اگر درباره کتابخوانی حرف بزنند، کاشف به عمل می‌آید که غیر از کتاب کنکور و کمک درسی چیزی برای خواندن پیدا نمی‌شود. درباره دلار و ارز و... یخچال و کولر و.... این جور چیزها حرف بزنند، دست آخر همه استرس می گیرند و کور و پشیمان که الان چه وقت این حرفها بود؟

پای سیاست بیاید وسط، می‌بینی از هر ۱۰ کلمه‌اش، ۱۵تاش فحش سیاسی از آب درآمد و طرف اعصاب خودش و بقیه را برای هیچ و پوچ خرد و خمیر کرد. انتقاد بخواهند بکنند، سر آخر باز می‌رسند به فحش. حالا فرض کنیم پول دارند بروند تفریح، آن وقت می‌بینی ماشین خراب است و باید درباره خرابی ماشین حرف بزنند و حرف‌شان برود پشت حرف هم و هرکسی به دیگری بگوید ای توله سگ، تو ماشین را خراب کرده‌ای. اصلاً کاری به تفریح و کتاب نداریم، شما بیا خانواده ایرانی را وادار بکن ۱۰ تا کلمه درباره بقیه حرف بزنند. دیدی؟ ۴ تاش فحش بود، ۳ تاش توهین و ۳ تای دیگرش هم تحقیر و تمسخر.

ما که حسود نیستیم، ولی رییس مرکز زنان هم باید معلوم می‌کرد خانواده ایرانی باید درباره چه چیزهایی ۱۵۰۰ کلمه با هم حرف بزنند که دست آخر از حرف زدن پشیمان نشوند و یا نیفتند به جان اعصاب خودشان و بقیه و یا یقه هم را چاک ندهند.

کاهش قدرت خرید، مردم را به سمساری ها کشانده است

به گزارش روابط عمومی اتاق اصناف مرکز استان بوشهر در پی بروز بحران قیمت ارز و کاهش قدرت خرید مردم، مردم مایحتاج غیر غذایی خود را از مغازه های سمساری و استوک فروشی تهیه می کنند.

در حالی که به دلیل افزایش چشمگیر هزینه های ساخت کالاهایی مثل پوشاک، مبلمان، فرش و ... بسیار افزایش یافته و مردم توان خرید خود را از دست داده اند، خرید و فروش کالاهای نو در بازار کاهش یافته است.

از طرفی اجاره بهای واحدهای صنفی بوشهر بسیار بالاست و صاحبان مشاغل توان پرداخت اجاره بهای واحدهای صنفی خود را ندارند. در نتیجه کار و کسب رسمی واحدهای صنفی در بوشهر همواره با



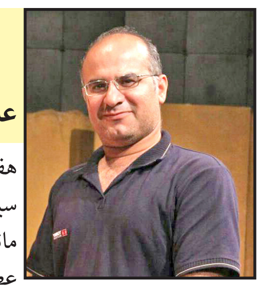
تهدید جدی مواجه بوده است.

در چند ماه اخیر با کاهش اعتبار پول ملی و کاهش قدرت خرید مردم خرید و فروش کالاهای دست دوم در بازار بوشهر رونق گرفته است. متاسفانه خرید و فروش این کالاها حتی به کالاهایی که آلرژی زا هستند مثل لباس نوزاد نیز رسیده است. این اقدام فروشندگان تا کنون در بازار رسمی نمود کمتری داشته و بیشتر از طریق شبکه های اجتماعی مثل اینستاگرام فعالیت می کنند اما پیش بینی می شود در صورت ادامه روند فعلی بخشی از بازار رسمی نیز به فعالیت این گونه واحدهای صنفی تخصیص یابد.

در چند ماه اخیر مقدار اندک طلای خرید و فروش شده در بازار نیز از آن طلای دست دوم بوده است همچنین بدلیجات فروشی های بوشهر نیز روزگار بهتری نسبت به طلافروشی ها دارند.

با توجه به حضور دست دوم فروشی ها در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی امکان کنترل و نظارت بر فعالیت این واحدها وجود ندارد و ادامه روند موجود می تواند سلامت مردم را تهدید نماید.

یادمان آتشی، تجربه موفق برنامه فرهنگی در بوشهر



علی اسماعیلی

هفته نکوداشت سیزدهمین سال کوچ مانایاد منوچهر آتشی در عصر پنجشنبه و در یک هوای دلنشین بارانی و با حضور دوستداران ایشان و فرهنگ و هنر و ادبیات پارسی در آرامگاه ایشان به پایان رسید. برای اولین بار اعضای ستاد نکوداشت تصمیم گرفتند به جای مراسم یک روزه، هفته نکوداشت برگزار کنند تا پس از گذشت سیزده سال از سفر همیشگی او این فرصت ایجاد شود تا اهالی فرهنگ و هنر بصورت کامل تر با دیگر ابعاد زندگی ادبی و فرهنگی ایشان آشنا شوند.

بشخصه توانستم در چهار شب از این شش شب مراسم حضور یابم و این فرصت را پیدا کنم تا در محضر بزرگان فرهنگ بیشتر بیاموزم. معمولا برپایی چنین مراسمی که در طول یک هفته برگزار می شود فرسایشی شده و به تدریج از تعداد مخاطبین و حضار کسر می گردد، اما نگاه متخصصانه اعضای ستاد مانع از این اتفاق شد. بشخصه شاهد حضور بیشتر هنرمندان تئاتر در شب آتشی و تئاتر و یا دوستان روزنامه نگار بیشتری در شب آتشی ژورنالیست در محل برگزاری جلسه بودم!

معمولا اینگونه همایش ها اگر متولی دولتی داشته باشد که قطعاً با صرف هزینه های فراوان و تبلیغات گسترده در آن همراه خواهد بود، باز نمی توانند چنین بازده ای را داشته باشند و اهالی اداره ارشاد و دیگر متولیان دولتی فرهنگ و هنر باید این سؤال را از خود داشته باشند که چرا و چگونه اعضای برگزاری هفته یادمان آتشی موفق به چنین برگزاری موفقیت آمیزی شده اند؟ آیا می شود اینگونه نتیجه گیری کرد که اگر کار را بدست کاردان سپرد می توان بهره بیشتری از کار برد؟ شاید برگزاری مراسم در طول یک هفته با کاستی های هم مواجه بوده! اما به خاطر داشته باشیم اولین تجربه یک همایش شش روزه و طبق روال هر سیزده سال، با کمترین حمایت دستگاه های دولتی، این نوید را می دهد شالوده های هفته فرهنگ؛ هنر و ادبیات بوشهر به دستان عاشقان



این دیار و بدون داشتن کوچک ترین چشم داشتی به خوبی پی ریزی شد و امیدوارم در سالهای آتی شاهد برگزاری هر چه باشکوه تر این مراسم باشیم. خورشید فقیه، یونس قیصی زاده، شعله آتشی، پرویز هوشیار، بابک شاکر، سیامک و سینا برازجانی، بابک فقیه، عبدالله رییسی، رحمان برزگر، نبی دهقانی، جمال عارف زاده، علی هوشمند، رضا معتمد، جهانشیر یاراحمدی، مهدی جهانبخشان، شهرام شریف پور و سایر دوستان عضو ستاد نکوداشت زنده یاد آتشی، از اینکه برای اعتلای فرهنگ این دیار مجاهدانه تلاش می کنید از شما سپاسگزاریم.

خداحافظی سفره مردم جنوب با ماهی

الیاس احمدحسینی: این روزها افزایش بی‌رویه قیمت ماهی در بازار گناوه داد بسیاری از مردم را درآورده است.

یکی از غذاهای غالب مردم جنوب ماهی تازه صید شده از خلیج فارس است. این در حالی است که پخت ماهی حلوا سفید، هامور، سرخو، سنگسر به صورت قلیه، تهنداز، تنوری، شکم‌پر و کبابی استان بوشهر شهرت بسیاری در سراسر کشور دارد.

اما در روزهای اخیر قیمت حلوا سفید تا ۲۰۰ هزار تومان، هامور ۱۵۰ هزار تومان، سرخو ۱۰۰ هزار تومان رسیده است.

حسن لیراوی شهروند گناوه‌ای که برای خرید ماهی آمده می‌گوید: واقعاً از شنیدن قیمت ماهی شوکه هستم، بعد از گذشت سه ماه و گرفتن حقوق کارمندی می‌خواستم برای خانواده چهار نفری ماهی نسبتاً خوبی بخرم. اما نمی‌توانم. ماهی بدرد بخور از کیلو ۵۰ هزار تومان به بالاست.

رحیم حیاتی که در حال قیمت گرفتن ماهی است وقتی متوجه گفتگوی ما می‌شود وارد بحث می‌شود و می گوید: راستش الان چند ماهه که به بچه‌هایم قول خرید ماهی داده بودم. امروز که ماهی هامور، سرخو، شوریده، شیر را قیمت و نگاه به جیبم می کنم



همینجا از شرمندگی در مقابل خانواده‌ام از شرم عرق می کنم.

رحمان از ماهی‌پاک کن‌ها می گوید: با وجود گرانی ماهی اما هستند کسانی که ماهی حلوای سفید تا کیلو ۲۰۰ هزار تومان را خرید کرده‌اند.

علیرضا حیدری از ماهی‌فروشان گناوه‌ای می گوید: علت اصلی بالا رفتن قیمت ماهی صادرات بی‌رویه آن به کشورهای حوزه خلیج‌فارس و عراق است.

سقوط ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی و هزینه‌های سرسام‌آور صیادی باعث شده تا بیشتر صیادان رغبتی به عرضه ماهی در بازار داخلی نداشته باشند.

بالا رفتن قیمت ماهی باعث فروش پایین و سود اندک ماهی‌فروشان شده است.

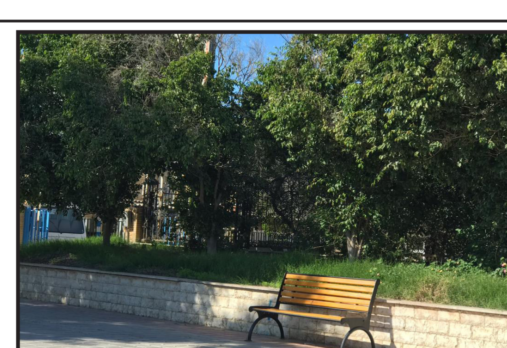
کریم زیارتی می‌گوید: روی میز بسیاری از مغازه‌ها، ماهی‌های معروف و باکیفیت مثل حلوا، هامور و سرخو به علت قیمت بالا و عدم استقبال مردم دیده نمی‌شود.

این در حالی است که با وجود مصاحبه‌های متعدد مسئولین شهرستان و استان نسبت به تعدیل قیمت‌ها و نظارت و برخورد با عوامل گرانی‌های بی‌رویه انتظار نمی‌رود اتفاق مثبتی در این مورد بیفتد!

گناوه‌آنلاین

نیمکت های بوشهر





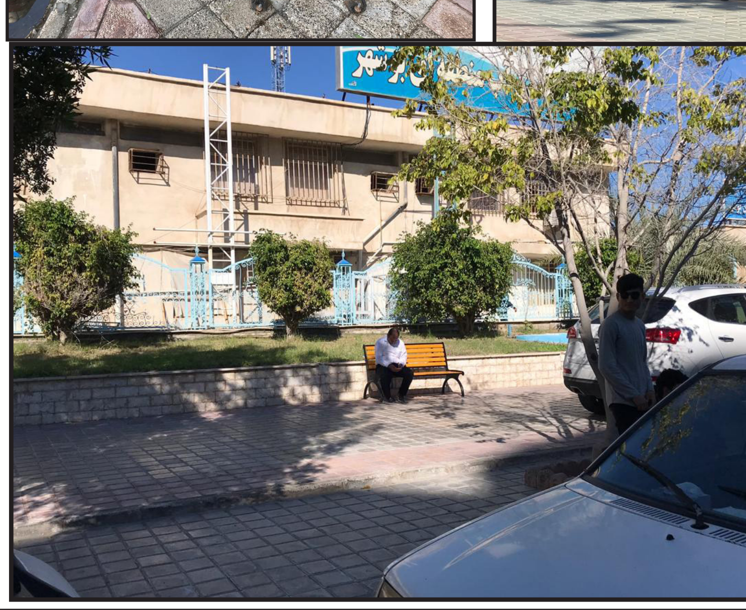
رضا سیاهوشی: شهرداری بوشهر برای رفاه حال شهروندان، با صرف هزینه هایی و با گذاشتن نیمکت هایی در بیشتر پیاده روهای سطح شهر کاری خوب و پسندیده ای انجام داده که جای تقدیر دارد اما متاسفانه در برخی از مکان هایی که این "نیمکت ها" گذاشته اند اصلا مناسب و جالب نمی باشد!!!

– تعدادی هم در کنار جوی آب و نزدیک به خیابان که هم بوی بد می دهد و هم برای شهروندانی که بخواهند با فرزندان خود و برای دقایقی به استراحت بپردازند بسیار خطرناک می باشد! (جلو نیمکت، جوی آب و خیابان!!!) مثل نیمکت هایی که در پیاده رو دانشگاه علوم پزشکی روبروی ستاد نماز جمعه گذاشته اند.

– تعدادی از آنها در مسیر تردد مردم می باشد، مثل نیمکتی که در ضلع شرقی پیاده رو اداره کل بنیاد شهید گذاشته شده، حال تا حدودی هوا قابل تحمل هست اما آیا در تابستان کسی طاقت یک دقیقه زیر تابش نور مستقیم آفتاب نشستن دارد؟!

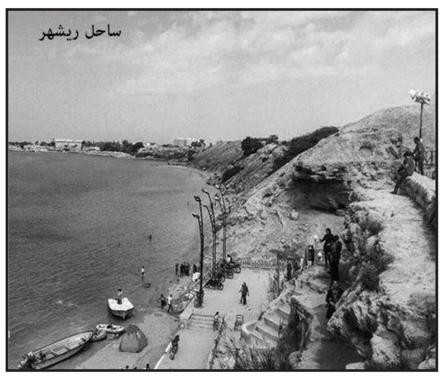
– ضمن اینکه نیمکت هایی که در پیاده رو سازمان مسکن و شهرسازی و سازمان آب و فاضلاب در خیابان رییسعلی گذاشته اند، در جای بسیار خوب و مناسب می باشد.

هر چند لازم است که در روبروی داروخانه ها و مطب پزشکان هم که مراجعه کننده زیادی دارند، چنین کاری انجام دهند.

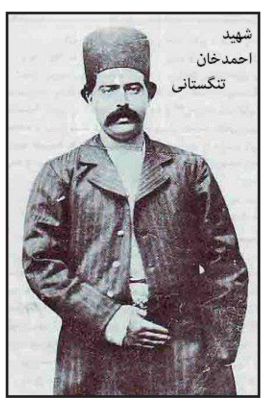


خبر اومد که تنگستون بهاره

به مناسبت سالروز شهادت احمد خان تنگستانی در جنگ ریشهر



۹ دسامبر ۱۸۵۶ میلادی (۱۸ آذر ۱۲۳۵ شمسی) در پی اختلاف ایران و انگلیس بر سر مسئله هرات، انگلستان به خارگ و سپس بوشهر حمله کرد. در این حمله که با ۴۰ ناو جنگی و بیش از ۸۰۰۰ نیروی نظامی هندی و انگلیسی صورت گرفت، سرهنگ باقرخان تنگستانی به همراه فرزند رشیدش احمدخان تنگستانی و شیخ حسین دموخ (عموی شیخ حسین چاهکوتاهی) با ۴۰۰ تفنگچی از دالکی و اهرم و چاهکوتاه به بوشهر آمدند. مجاهدین تنگستانی در ساحل ریشهر (محل پارک ریشهر کنونی) موضع گرفته و با قوای دریایی مجهز انگلیسی‌ها درگیر شدند.



در این نبرد نابرابر علیرغم تفاوت معنی دار، تعداد افراد و سلاح‌های طرفین، هیچ تنگستانی‌ای سلاح به زمین نیانداخت و به اسارت دشمن درنیامد. آن‌ها تا گلوله داشتند با تفنگ می‌جنگیدند و پس از پایان فشنگ‌هایشان با کارد و شمشیر آبدیده به متجاوزان انگلیسی هجوم می‌بردند.

تنگستانی ها توانستند با ترفندهای نظامی و شجاعت مثال زدنیشان در حالی که کار به جنگ تن به تن کشیده شده بود ۷۴۰ نفر از نیروهای متجاوز انگلیسی از جمله ۵۰ افسر عالی رتبه و ۴ فرمانده انگلیسی را به هلاکت برسانند. در این نبرد نابرابر احمدخان تنگستانی نیز به همراه ۷۲ تن از خاندان تنگستانی و ۶۰ نفر از سپاه باقرخان به شهادت رسیدند.

در سوگ شهادت جوان رشید جنوب، احمدخان تنگستانی دوبیتی معروفی سروده شد که تا امروز هم به یاد این شهید عزیز، به صورت شروه نقل محافل جنوب است:

خبر اومد که تنگستون بهارن
زمین از خون احمد لاله زارن
خبر بر مادر پیرش رسونید
که احمد یک تن و دشمن هزارن

(این شعر با «دشتستون» هم نقل شده که علت آن سکونت باقرخان تنگستانی (پدر احمد خان) در آن زمان در دالکی بوده است.)

کانال تاریخ استان بوشهر

فرمانده انتظامی استان بوشهر:

عذاب وجدان قاتل را پس از ۱۰ سال تسلیم پلیس کرد

فرمانده انتظامی استان بوشهر از اعتراف به قتل فردی خبر داد که ده سال پیش خانمی را در شهرستان دشتی به قتل رسانده و متواری شده بود.

به گزارش خبرنگار مهر، سردار خلیل واعظی در جمع خبرنگاران اظهار داشت: آبان‌ماه سال ۸۷ خبر مفقودی خانمی به هویت معلوم به پلیس گزارش شد و با وجود پیگیری‌های مستمر پلیس و خانواده مفقودی تا کنون اثری از وی یا جسدش پیدا نشده بود.

فرمانده انتظامی استان بوشهر خاطرنشان کرد: فردی ۴۱ ساله به هویت «ح» با مراجعه به پلیس آگاهی شهرستان دشتی پرده از راز قتلی برداشت که ۱۰ سال قبل مرتکب و متواری شده بود.

وی بیان کرد: این متهم به کارآگاهان پلیس گفت که به علت اختلاف خانوادگی که با متوفی داشتم او را در یکی از روستاهای بخش کاکی به قتل رسانده و جسدش را در اطراف کوه نمک به دره‌ای عمیق پرت کردم.

سردار واعظی با بیان اینکه فرد قاتل به امید رهایی از عذاب وجدان ناشی از این عمل مجرمانه پس از ۱۰ سال خود را به پلیس معرفی کرده اظهار داشت: متهم به قتل در این مدت در روستاهای یکی از استان‌های همجوار از طریق ماهی گیری امرارمعاش می‌کرده است.

وی تصریح کرد: پس از اعترافات این فرد کارآگاهان پلیس آگاهی در محل مورد نظر حضور یافتند و گرچه آثاری از جسد مقتول یافت نشد اما با حضور فرد متهم و مقام قضایی صحنه قتل بازسازی شد.